



تپش

جشنواره شعر و داستان جوان سوره در حالی وارد دهمین سال برگزاری خواهد شد که نسبت به دوره‌های قبلی تفاوت‌های چشمگیری داشته است. نگاهی گذرا به سابقه ۹ ساله این رخداد هنری نشان می‌دهد که این جشنواره به لحاظ ادبی یکی از گسترده‌ترین جشنواره‌های حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی محسوب می‌شود. این جشنواره از سال ۱۳۸۱ با هدف جذب استعداد‌های جوان ادبی در کشور برگزار شد.



ویژه دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره

شماره دوم، ۲۷ تیرماه ۱۳۹۱

سراغاز

جشنواره سوره وظیفه پاسداری از ارزش‌های دینی را به دوش می‌کشد

مثل طراوت بارش بهاران بهاری، مثل سیلان واژه‌ها در شعر حافظ شیرازی، مثل دلنشینی حکایت‌های سعدی، رسیدن مهمانان جشنواره دهم از صبحگاه آخرین روزهای مبارک شعبانیه، شاعران و نویسندگان جوان محبوب و البته مثل رنگین کمان عصر یک روز بهاری متنوع از دورترین نقطه ایران عزیز تا شهر مهربانی‌ها و دوستی‌ها، حماسه‌ها و پایمردی‌ها، ارومیه.

تلاش گروه‌های برگزارکننده تا صبح افتتاحیه که با کلام نور و سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، دیدارهایی که تازه می‌شوند و نوای عاشیق‌ها از دل تاریخ، رازهایی را بازگو می‌کنند که برگرفته از آموزه‌های فرهنگی قومی، اسلامی و ایرانی است. اسلامی که ادبیات می‌کوشد آینه‌ای درخور برای بازتاب جان‌مایه هستی باشد و شروع کارگاه‌های ادبی با حضور استادان و جوانان مشتاق که میل شنیدن دارند و مثل زلال جویباران تازه هستند و این تازگی وظیفه جشنواره را سنگین تر می‌کند؛ وظیفه‌ای که همانا پاسداری از ارزش‌های برآمده از دین و انقلاب اسلامی ایران است.

این موج خروشان نشان از گنجینه بزرگی دارد که باید شناخته شوند و برای آنان برنامه‌ریزی شود تا فصل نو شدن هنر مبتنی بر ارزش‌های برآمده از دین شاهد نسلی به زلالی آفتاب در سایه‌سار دانایی باشیم، نسلی که متعهد به قلم است، قلمی که در تهاجم فرهنگی رسالت بودن و چگونه بودن را به دوش می‌کشد.

سیاس و ستایش کردگاری بی‌همتا را که آیین افتتاحیه دهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره شاهد تجلیل از پیشکسوتان هنر متعهد استان بود و سرفصلی شد برای آغاز حرکتی بزرگ، حرکتی به بزرگی تعریف جغرافیایی ادبی کشور، حرکتی بزرگ به گستردگی شکل‌گیری کارگاه‌های داستان‌نویسی در سراسر کشور.

کارگاه‌هایی که داستان خلقت را خواهند نگاشت، داستان سربدارانی که سر بر خورشید می‌سایند. سیاسی و ستایش خداوند رحمان را که دهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره امانت‌دار هنر دینی کشور است و این تعهد از سر معرفت به کنه ذات آرمان مقدس شهیدان انقلاب اسلامی است؛ شهیدانی که شاهد و ناظر شعرها و داستان روزگاری هستند که در آن نفس می‌کشیم. ما نیز موظفیم، در مسیر آنان گام برداریم و پیرو آرمان‌های انقلاب حرکت کنیم تا توانسته باشیم قدمی هرچند کوچک در مسیر اعتلای فرهنگ غنی ایرانی اسلامی برداشته باشیم.

جشنواره دهم نیز با تمام فرازها و فرودها به کار خود پایان داد؛ به امید آنکه توانسته باشد حرکتی تأثیرگذار برای کشف و معرفی جوانان متعهد و هنرمند در عرصه فرهنگ و ادب این سرزمین انجام داده باشد؛ به امید برگزاری یازدهمین دوره جشنواره با فصلی نو در رویش استعداد‌های دیگر در این مرز پرگهر. ■



یوسف علیخانی
شاهکارهایی که برای انتشار منتظر خواهند ماند

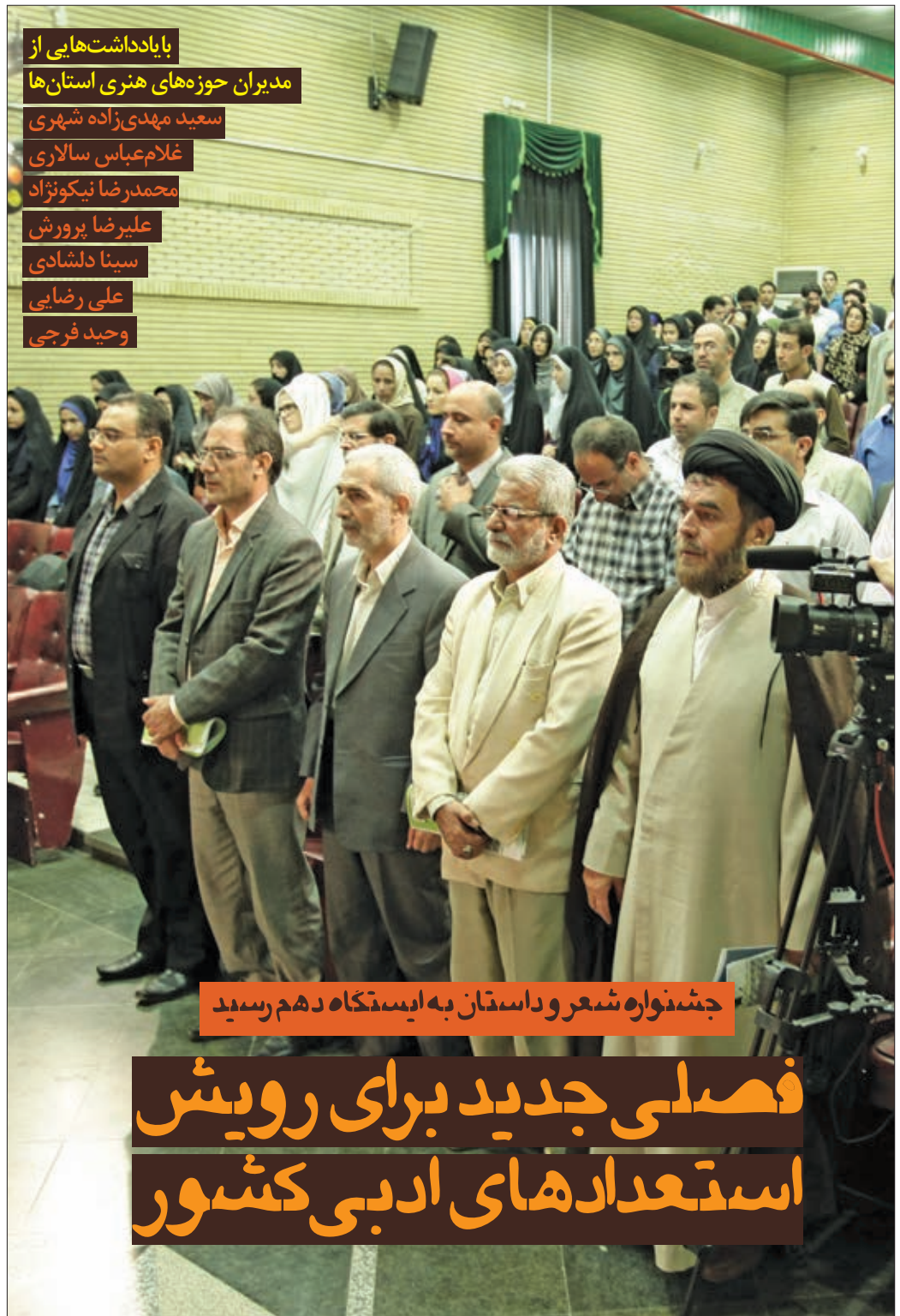


موسی بیدج
موضوعی بودن جشنواره‌ها
اتفاق خجسته‌ای برای هنر مندیست



ابوالفضل زروبی
باز بهت خندیدم!
گریزی به قالب‌های شعر و داستان طنز

- بایادداشت‌هایی از
- مدیران حوزه‌های هنری استان‌ها
- سعید مهدی‌زاده شهری
- غلامعباس سالاری
- محمد رضا نیکونژاد
- علیرضا پرورش
- سینا دلشادی
- علی رضایی
- وحید فرجی



جشنواره شعر و داستان به ایستگاه دهم رسید

فصلی جدید برای رویش استعداد‌های ادبی کشور



جشنواره شعر و داستان به ایستگاه دهم رسید

فصلی جدید برای رویش استعدادهای ادبی کشور

پروین طالبی

وی با تأکید بر هنر دینی یادآور شد: «ما با بعضی کلمات روبه‌رو هستیم که در تعیین چپستی آن اتفاق نظر نداریم و از آن جمله می‌توان به آثار دینی اشاره کرد. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که گاهی آثار با پیشوند و پسوند دینی تولید می‌شوند که لازم است در بوته نقد و آزمایش قرار گیرد.»

این مقام مسؤول درباره لزوم خلق آثار دینی گفت: «برای اینکه بتوانیم آثار دینی خلق کنیم باید بتوانیم تفکرات انسانی، بومی، جهانی و مردمی داشته باشیم؛ البته به دور از تئوری‌های امانیسمی، تعصب، عوام‌فریبی و سنت‌زدگی.»

وی با انتقاد از اینکه گاهی عده‌ای، بخشی از تفکرات خود را با یک جمله یا حدیثی از دین هماهنگ می‌بینند، آن را با تفکر خود می‌آمیزند و محصول دینی تلقی می‌کنند، اظهار داشت: «ما حق نداریم چنین تطبیقی را در آثار خود لحاظ کنیم. ما به عنوان دانش‌آموزان دینی باید به آموزه‌های دینی گوش فرا دهیم و آن آموزه‌ها را در آثارمان نمایان سازیم.»

معاون سیاسی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی با بیان اینکه تاکنون تعریف‌های متفاوتی از آثار دینی ارائه شده، عنوان کرد: «تعاریفی که تا امروز برای شناخت آثار دینی ارائه شده، در دسته‌های مختلفی نظیر اینکه برخاسته از متون دینی باشد، یا پدیدآورندگان آن دیندار باشند یا مضامین دینی را دربر داشته باشد، یا برای آفریدن یک هدف دینی به وجود آمده باشد و یا به یک نتیجه دینی بینجامد که به نفع دین ختم شود، آمده است. اکنون تمام این تعریف‌ها به دغدغه همه تبدیل شده که باید به گونه‌ای ساماندهی شود.»

وی با بیان اینکه قضاوت مردم درباره آن آثاری صورت می‌گیرد که به دستشان می‌رسد، تصریح کرد: «در نظریه‌های جدید عنوان شده است که هنرمند تا زمانی که آثارش در حال تکامل و تولید است متعلق به اوست و زمانی که آثار خلق شد، دیگر به جامعه و خوانندگان آن تعلق دارد و هر خواننده‌ای بر اساس ظن شخصی خود می‌تواند برداشت‌های گوناگونی را نسبت به آثار مختلف داشته باشد.»

این جشنواره رشادت‌ها و شهادت‌های آذربایجان غربی که در دنیا درخشیده است، به همه ایران تسری یابد.»

وی با اشاره به روزهای جشنواره یادآور شد: «امیدوارم در زمان برگزاری جشنواره از آغاز تا پایان، دوستی‌ها پر از صفا و صمیمیت شود و پس از پایان این جشنواره ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی فراموش نشود.»

دبیر اجرایی جشنواره با تأکید بر استفاده از پیشکسوتان گفت: «استفاده از تجربیات شاعران و نویسندگان کشور به‌ویژه حضور استادان و پیشکسوتان در کنار جوانان موجب می‌شود تا این جشنواره هم در حوزه معرفی استعدادها و خلاق جوانان و هم در حوزه تولید آثار به‌ویژه کتاب و نویسندگان جوان در کشور نمایان شود.»

نوروزی جشنواره شعر و داستان جوان را به عنوان یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای بررسی تلاش شاعران و نویسندگان جوان معرفی کرد و گفت: «این جشنواره بستری برای آشکار شدن تلاش شاعران و نویسندگان جوان کشور و فعالیت‌های ادبی حوزه هنری در روستاها و شهرستان‌های دورافتاده کشور است؛ از همین رو برگزاری کارگاه‌های شعر، داستان و ادبیات کودک و نوجوان در کنار اجرای مراسم عصر شعر و عصر قصه از برنامه‌های در نظر گرفته شده هستند.»

آثار باید به گونه‌ای خلق شود که انسان را به تفکر وادارد

ابراهیم فتح‌اللهی در این مراسم افتتاحیه با بیان اینکه سخن‌های برآمده از دل و از جنس شعور و مسؤولیت‌پذیری بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تصریح کرد: «شعر و داستان ماهیت جوان‌گرایانه دارد و این بر عظمت موضوع شعر و داستان بیش از پیش می‌افزاید.»

معاون سیاسی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی گفت: «کسانی که اکنون در عرصه ادبیات، حرفه‌ای و پیشکسوت هستند، زمانی قرار گرفتن در پشت تریبون را فرصتی برای خود می‌دانستند؛ ولی حال که به عنوان نظریه‌پردازان شناخته می‌شوند، دیگر این گونه فکر نمی‌کنند؛ به همین دلیل باید فرصت‌های این‌چنینی در اختیار جوانان امروز نیز قرار گیرد.»

سرانجام جشنواره شعر و داستان جوان سوریه با استقبال زیادی در سالن خانه جوان ارومیه افتتاح شد. در این مراسم مسؤولان حوزه هنری و استان آذربایجان غربی هم حضور داشتند. با آغاز به کار این جشنواره، شعر و داستان جوان در دهمین ایستگاه خود توقف می‌کند و پس از آن به کار خود ادامه می‌دهد.

این جشنواره از سال ۱۳۸۲ آغاز به کار کرد و تا کنون ۹ دوره از برگزاری آن گذشته است. دهمین دوره این جشنواره در مرکز استان آذربایجان غربی (شهر ارومیه) در حال برگزاری است. جشنواره شعر و داستان تاکنون در استان‌های همدان، شیراز، بندرعباس، خرم‌آباد، سمنان، اردبیل، تهران، ساری و ایلام با عنوان‌های زیر آسمان الوند، شاخه نبات، خلیج فارس، فلک‌الافلاک، ستاره‌های کویر، ساوالان، مینودر، زیر آسمان سبزه، مهد پایداری و در حال حاضر در ارومیه با عنوان سوره برگزار شده است. به گفته مسؤولان نام سوره برای این جشنواره به صورت دائم در نظر گرفته خواهد شد و در سال‌های آینده جشنواره شعر و داستان جوان با عنوان سوره برگزار می‌شود.

نکته‌ای که در این جشنواره به چشم می‌خورد، اضافه شدن محورها و موضوعاتی در بخش آزاد است که آن را نسبت به روال قبل متفاوت کرده است. این تفاوت در بخش ویژه جشنواره در ۹ دوره گذشته است؛ اما امسال به جز قرارداد یک بخش ویژه با نام انقلاب اسلامی، بخش آزاد با محورهای «خلاق و خانواده»، «دفاع مقدس»، «بیداری اسلامی» و «فرهنگ و تمدن و عدالت و پیشرفت» نیز وجود دارد.

حضور پیشکسوتان موجب نمایان شدن آثار جوانان می‌شود

علیرضا نوروزی، مدیر حوزه هنری ارومیه در مراسم افتتاحیه جشنواره شعر و داستان جوان سوره گفت: «اکنون دهمین دوره جشنواره شعر و داستان با عنوان جوان سوریه آغاز به کار کرده است و در فصل گرم تابستان، ارومیه معتدل میزبانی این جشنواره را به عهده دارد.»

نوروزی اظهار داشت: «ارومیه به دلیل وجود شاعران و نویسندگان معروف از غنای ادبی بالایی برخوردار است و امیدواریم که در پایان



حاشیه‌های افتتاحیه

اجرای موسیقی عاشیق آذربایجان در حاشیه مراسم افتتاحیه

در حاشیه مراسم افتتاحیه دهمین جشنواره شعر و داستان سوره موسیقی محلی آذربایجانی اجرا شد که عاشیق نام داشت. عاشیق‌ها نوازندگان و آوازخوانانی هستند که در ایران، جمهوری آذربایجان، ترکیه، ترکمنستان، قفقاز و دیگر مناطق ترک‌نشین هنر‌نمایی می‌کنند. عاشیق‌های آذربایجان وارث یکی از غنی‌ترین بخش‌های ادبیات و فرهنگ شفاهی آسیا هستند. آنان خنیاگرانی بودند که مردم از هر جهت تأییدشان می‌کردند. عاشیق‌ها در فرهنگ آذربایجان جایگاه ویژه‌ای به دلیل نقش آنها در انتقال فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم دارند. عاشیق در گذشته نقش بسیار بااهمیتی در فرهنگ ترکی داشته است.

اسم قدیمی عاشیق، «اوزان» بوده است. عاشیق‌ها در میان ترکمنان، باغشی یا بخشی نامیده می‌شوند. ساز عاشیقی با نام‌های قوپوز، چگور و ساز شناخته می‌شود. در این مراسم ساز قوپوز توسط نوازندگان اجرا شد.

چندین داستان به صورت نظم و نثر توسط عاشیق‌ها آفریده شده و به صورت شفاهی به نسل‌های بعدی منتقل شده است. یکی از مشهورترین این داستان‌ها کوراوغلوست که از سوی این نوازندگان در جشنواره شعر و داستان جوان سوره با اجرای علی کریمی و نبات‌علی علیزاده به نمایش گذارده شد. مضمون این داستان شرح کوراوغلو، قهرمان حماسی مشترک میان اهالی آذربایجان و ترکمن است.

این نوازندگان در میان اجرایشان توضیح می‌دادند که باعث این قیام، مهتری سالخورده به نام علی ملقب به علی کیشی است. وی پسری موسوم به روشن (کوراوغلو) دارد و خود، مهتر خان بزرگ و چشم‌داری است به نام حسن خان. روایت کوراوغلی در جغرافیای وسیعی از قفقاز، ایران، افغانستان، آسیای مرکزی و برخی نقاط دیگر گسترده است. در این جغرافیای وسیع، روایت کوراوغلی در قالب نمونه‌های آذربایجانی، قفقازی، آناتولی، ارمنی، گرجی، ازبکی، ترکمنی، خراسانی، قشقایی و حتی توپول‌ها یا گروه‌های تاتار در سبیری سروده شده است.

حسن خان بر سر اتفاقی بسیار جزئی که آن را توهینی سخت نسبت به خود تلقی می‌کند، دستور می‌دهد چشمان علی کیشی مهتر خود را درآورد و وی را کور کنند. پس از این واقعه تلخ، روشن پسر علی کیشی، لقب کوراوغلو به خود می‌گیرد. کوراوغلو به ترکی یعنی کورزاده یا پسر مرد کور. این اجرا با استقبال زیادی از سوی شرکت‌کنندگان روبه‌رو شد و همگان را به شغف واداشت. ■



فتح الهی ادامه داد: «ما به مردم این سرزمین تعهد داریم و باید دقت شود که چه آثاری خلق می‌شود؛ چون اثر رئالیستی مادی گرانه می‌تواند به بلای جان مردم تبدیل شود.»

معاون سیاسی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی با اشاره به یک پیشنهاد اظهار داشت: «جامعه کنونی ما نیازمند تحقیق در مکتب قصه‌های قرآنی است و قصه‌های قرآنی باید از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد؛ اول اینکه آیا قصه‌های قرآنی مکتب هستند و مبانی، تئوری و اصول دارند و می‌توان در آن چارچوب حرکت کرد و دوم آیا قصه‌های قرآن اصالت دارد یا اینکه صرفاً ابزاری برای بیان حقیقت است.»

وی با تأکید بر سوگیری در شعر و داستان اضافه کرد: «ما نباید در آثارمان به دنبال تحمیل نظر خود بر خواننده باشیم، بلکه آثار باید به گونه‌ای خلق شود که انسان را به تفکر وادارد و او را ناگزیر کند که حقایق کشف نشده خالق اثر را بیابد.»

این مقام مسؤول با اشاره به جشنواره شعر و داستان سوره تأکید کرد: «در برگزاری جشنواره‌ها نباید به دنبال نتایج آنی و لحظه‌ای بود، بلکه اگر جشنواره‌ها فقط بتوانند سؤالات بی‌جوابی را به مخاطبان خود ارائه دهند که آنها را به فکر بیندازد، باز هم توانسته‌اند موفقیت مطلوبی به دست آورند.»

توقف هنرمندان در سطح جشنواره‌ها آفت بزرگی است

امیر حسین فردی، مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی نیز در آیین افتتاحیه جشنواره شعر و داستان جوان سوره با تشکر از سخنان ابراهیم فتح‌اللهی، معاون سیاسی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی اظهار داشت: «ماهیت برگزاری جشنواره‌ها، جشن گرفتن است و این جشن می‌تواند مضامین گوناگونی از جمله شعر، سفر، دوست و دیدن پدیده‌های جدید را داشته باشد.»

فردی با تأکید بر اینکه جشنواره‌ها مقصد نیستند، تصریح کرد: «جشنواره‌ها ایستگاه‌های خوبی هستند؛ ولی نباید به عنوان توقفگاه تلقی شوند و توقف هنرمندان در سطح جشنواره‌ها آفت بزرگی است. حد آرزوهای هنرمندان نباید به جشنواره‌ها محدود شود.»

وی گفت: «جشنواره فرصت خوبی است و می‌توان آن را به عنوان یک سکوی پرتاب تلقی کرد و از آن طریق به اهداف بزرگ دست یافت.»

همچنین در پایان مراسم افتتاحیه از سه هنرمند پیشکسوت آذربایجان غربی، ابراهیم فتح‌اللهی، معاون سیاسی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی، غلامرضا دانش‌سفر، نویسنده تذکره اولیای شعرای آذربایجان و توحد اصغرزاده، نویسنده دفاع مقدس تقدیر شد. ■

یادداشت

غلامعباس سالاری*



هنر کشور به هنرمند جوان تکیه زده است

کرمان با چهره‌های مطرحی مانند خواجه کرمانی، عمادفقیه کرمانی، شاه نعمت‌الله ولی، فواد کرمانی شناخته می‌شود. این موضوع نشانگر سنت کهن ادبی استان کرمان است. اگرچه کرمان با این پیشینه و با سرمایه ادبی امروزش همچنان مهجور است، باید پذیرفت این استان از دیرباز خاستگاه ادبیات بوده است. جوان‌گرایی لازمه ارتقای سطح هنر در کشور است؛ همان‌گونه که مقام معظم رهبری (مدظله) فرموده‌اند: «اگر می‌خواهید هنر این مملکت رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان تکیه کنید.» متولیان فرهنگی باید تمام توان خود را به کار گیرند تا از طریق ابزارهایی که دارند، شرایط برابر برای جوانان شاعر و نویسنده در سراسر کشور به وجود آورند. شاعران و نویسندگان جوان از طریق فرصت شناسانده شدن می‌توانند موفقیت خود را تضمین کنند و این‌گونه است که می‌توانیم بگوییم هنر کشور به هنرمند جوان تکیه زده است.

اکنون شاعران و نویسندگان جوان با زمینه‌های مستعد و روحیه پر تلاش توانسته‌اند در بسیاری مبادی هنر خوش بدرخشند. شاید اگر فرصت دیده شدن برایشان در جای جای ایران فراهم شود بتوانند رشد دوباره ادبیات این کشور را حادث شوند. رشد و جهش ادبیاتی در جوامع نیازمند استعداد و تلاش روزافزون است و اگر در کنار این پتانسیل‌های فردی، فرصت دیده شدن و چاپ آثار قوی در کشور به وجود آید، آن‌گاه است که آن ارتقای حیرت‌انگیز اتفاق می‌افتد و می‌تواند سواحل زیبای ادبی بی‌کران را برای اهل ادب و هنر به وجود آورد.

یکی از فرصت‌هایی که امروز در کشور فراهم شده، وجود جشنواره‌های گونه‌گون است؛ جشنواره‌هایی که خود توانسته‌اند زمینه‌های ارتقای ادبی و هنری کشور را به وجود آورند.

جشنواره شعر و داستان جوان سوره نیز از همان دست جشنواره‌هاست که می‌تواند موجب تعامل ادبی استان‌ها و کشف استعدادها برتر شود. جشن ۱۰ سالگی این جشنواره نشان از عزم جزم بر گزار کنندگان بر تداوم آن را دارد و این نیز تلاشی امیدبخش است. این جشنواره تبدیل به باشگاهی شده تا همه پیرانش را در طول سال تنها نگذارد و از طریق ارتباط مؤثر موجب رشد اعضای این باشگاه را که بدون شک هر روز بر تعداد پر شمارشان افزوده می‌شود، فراهم کند. یادمان نرود اعضای این باشگاه آینده‌سازان این جامعه اسلامی‌اند. ■

* رئیس حوزه هنری کرمان

یادداشت

محمد رضا نیکونژاد*



جشنواره سوره فرصتی برای هم‌افزایی بیشتر بین نویسندگان و شاعران جوان

رئیس حوزه هنری استان یزد با اشاره به برگزاری دهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره رویکرد آن را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: «این جشنواره با یک دهه قدمت توانسته است تعدادهای برتر ادبی کشور را شناسایی کند و پرورش دهد.»

محمد رضا نیکونژاد با بیان اینکه یکی از اهداف جشنواره پایش سطح علمی و ادبی شاعران و نویسندگان جوان و خلاق است، افزود: «این جشنواره فرصت مناسبی را برای بررسی فعالیت واحدهای آفرینش ادبی مراکز استانی و رشد و گسترش ادبیات مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌کند.»

وی تعداد آثار ارسالی از استان یزد به دهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره را ۲۵ اثر در زمینه‌های شعر سپید، شعر کلاسیک و داستان عنوان کرد و ادامه داد: «آثار چهار هنرمند یزدی به نام‌های منیره و قاسم حسین پوری، فرزانه سعادت‌مند و سمیه حدادزاده به مرحله نهایی جشنواره راه یافته است.»

رئیس حوزه هنری استان یزد کشف، پرورش و حمایت از نویسندگان و شاعران مستعد و جوان را از اولویت‌های واحد آفرینش‌های ادبی این مرکز دانست و اظهار داشت: «باید زمینه تحقیق و پژوهش در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بیش از پیش برای جوانان فراهم شود تا شاهد خلق آثار ادبی فاخر و ارزشمند باشیم.»

نیکونژاد با اشاره به وجود استعدادهای هنری و ادبی در استان دارالعباده و دارالعلم یزد گفت: «منیره حسین پوری شاعر جوان یزدی موفق شد در سومین جشنواره آثار و تولیدات مراکز استانی در کرمانشاه رتبه سوم را در بخش شعر نو کسب کند و ما تلاش می‌کنیم تا زمینه درخشش بیش از پیش جوانان مستعد را فراهم کنیم.»

وی برگزاری جشنواره شعر و داستان جوان سوره را فرصت مناسبی برای هم‌افزایی و تعامل هر چه بیشتر شاعران و نویسندگان استان‌ها دانست و افزود: «در این جشنواره هنرمندان می‌توانند با بهره‌گیری از دانش و تجربه ارزشمند پیشکسوتان و چهره‌های شاخص ادبی کشور و استفاده از دیدگاه‌های مختلف ادبی برای خلق آثار فاخر بکوشند. ■

* رئیس حوزه هنری استان یزد



یادداشت

علیرضا پرورش*



شعر و داستان جوان آینه شور و طراوت یک ملت

شعر و داستان جوان، آینه شور و طراوت یک ملت است؛ دریچه‌ای که از آن می‌توان آفاق روشن فردای جامعه را به تماشا نشست.

فارس و شیراز دیار شعر و ادب و سرزمین کلام و سخن در تاریخ پرافتخار خویش، چهره‌های درخشانی را پرورش داده که هر یک به تنهایی هویت فرهنگی یک قوم را تضمین می‌کنند. سعدی و حافظ، تاج‌سر شعر پارسی و استادان مسلم سخن هستند، امروز فراتر از مرزهای جغرافیایی و زبانی یک ملت، به عنوان بزرگان حوزه فرهنگ در جهان شناخته شده‌اند.

سایه پرافتخار این بزرگان هنوز بر سر شعر و سخن این سرزمین است و شیراز معاصر نیز در بیشتر جریان‌های ادبی اعم از حوزه‌های سنتی و مدرن نقش داشته و حضور مؤثرش را می‌توان به وضوح ردیابی کرد.

در حوزه داستان‌نویسی نیز از حکایات گلستان تا امروز که فارس قطب داستان‌نویسی ایران زمین است، همواره ذهن خلاق و روایتگر اهل قلم این سرزمین به آفرینش خلاقه مشغول بوده‌اند؛ با این همه باید نقش مؤثر شاعران، نویسندگان، منتقدان، روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران فارس در حیطه‌های دینی و ارزشی نظیر ادبیات دینی و آیینی، ادبیات پایداری و دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی اشاره کرد، خاصه اینکه امروز در آستانه برگزاری بیست و هفتمین دوره «شب شعر عاشورا» به عنوان قدیمی‌ترین و مستمرترین جریان ادبی غیردولتی و مردمی، فارس و شیراز را به عنوان شهر «شب شعر عاشورا» می‌شناسند.

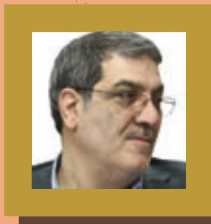
جشنواره شعر و داستان جوان سوره نیز یکی دیگر از فرصت‌هایی است که حوزه هنری در اختیار جوانان ایرانی سراسر میهن پاک گذاشته است تا از این طریق بتوانند زمینه‌های حضور خود را در عرصه‌های جدی هنر و ادبیات ایجاد کنند.

امید که شاعران جوان شهر و استان شور و شعر و شعور بتوانند سهم شایسته خویش را در حوزه ادبیات مکتبی و متعهد به نحوی شایسته ادا کنند. بدین امید برای آنان و شعر و داستان، روشنی و باران را آرزو می‌کنیم. ■

* رئیس حوزه هنری فارس

وحد فرجی *

یادداشت



تمایز ویژه جشنواره سوره برگزاری آن در استان‌های مختلف کشور است

رئیس حوزه هنری استان قم گفت: «تمایز ویژه جشنواره شعر و داستان جوان سوره با جشنواره‌های معتبر دیگر در کشور برگزاری آن در استان‌های مختلف کشور است.»
وحد فرجی رئیس حوزه هنری قم درباره جشنواره شعر و داستان جوان سوره اظهار داشت: «جشنواره شعر و داستان جوان سوره با برگزاری موفق در طول سال‌های اخیر توانسته است خود را به عنوان یکی از شاخص‌ترین جشنواره‌های ادبی در کشور مطرح کند. بسیاری از شاعران و نویسندگان جوان کشور هر ساله منتظر فراخوان این جشنواره هستند تا با ارسال آثار خود فرصت حضور در جشنواره را پیدا کنند. اشتیاق حضور در مراسم پایانی این جشنواره در بسیاری از شاعران و داستان‌نویسان جوان انقلاب مشهود است.»

فرجی با اشاره به ویژگی‌های این جشنواره تصریح کرد: «یکی از ویژگی‌های بارز این جشنواره که توانسته تمایز خوبی با دیگر جشنواره‌های معتبر ادبی در کشور ایجاد کند، برگزاری آن در استان‌های مختلف کشور است. این ویژگی آثار فراوانی هم برای خود جشنواره و هم برای استان میزبان و هم برای جوانان شرکت‌کننده در جشنواره داشته است.»

وی با تأکید بر ظرفیت‌های ادبی استان قم یادآور شد: «استان قم با برخورداری از ظرفیت‌های بالای ادبی همواره از حضور شاعران و داستان‌نویسان جوان و موفق بهره‌مند بوده است. گواه این مطلب درخشش و حضور پررنگ بسیاری از شاعران و داستان‌نویسان قلمی در جشنواره‌ها و محافل مختلف ادبی از جمله جشنواره شعر و داستان جوان سوره است.»

رئیس حوزه هنری قم ادامه داد: «همت حوزه هنری استان قم بر آن است تا با استفاده از استادان فرهیخته فضای رشد بیشتر جوانان در دو عرصه شعر و داستان را ایجاد کند.»

فرجی ابراز امیدواری کرد: «باید روز به روز به تعداد جشنواره‌هایی که با هدف تمرکز دایمی از پایتخت بر گزار می‌شوند، افزایش یابد تا از این طریق تمام جوانان علاقه‌مند به ادبیات در ایران بتوانند فرصت مطرح شدن را داشته باشند و بتوانند رادر یک فرصت برابر آثار خود را ارائه دهند.»

وی افزود: «جشنواره شعر و داستان جوان سوره می‌تواند بدعتی نو در عرصه شعر و داستان جوان ایجاد کند، شاعران و نویسندگان جوان باید از این فرصت استفاده کنند تا راه‌های رشد و تعالی خود را فراهم کنند. ■

* رئیس حوزه هنری قم

سعید مهدیزاده شهری *

یادداشت



جشنواره سوره در پی ارتقای همه‌جانبه ادب و هنر کشور

جشنواره شعر جوان در آغاز تلاش‌های خود به این مهم ایمان داشت که کشف استعداد‌های جوان را سرلوحه خود قرار دهد از این راه بتواند زمینه گسترش ادبی را در نسل آینده کشور به صورت هدفمند جاری کند.

جوانان ادب‌دوست ایران با بهره‌گیری از این ایمان واقعی در جشنواره سوره می‌توانند همت به کار گیرند و از این طریق خود را همچون شاعران بزرگی که روزی در رده همین جوانان در نقاط دور دست به سر می‌برند، به جامعه ادبی کشور بشناسانند و همچنان که مایه رشد و تعالی خود می‌شوند، ارتقای همه‌جانبه ادب و هنر میهن عزیزمان را موجب شوند.

استان سیستان و بلوچستان در زمینه استعداد‌های ادبی به‌ویژه شعر، غزل‌ها و قصیده‌ها بسیار حرف برای گفتن دارد. شعر چندپاره بلوچستان یا همان «لیکو» که در مدح خداوند و پیامبر، سرزمین مادری، خانواده، نژاد و محبوب گفته می‌شود چنان سروده‌های دیگری را در جنوب شرق ایران در کنار یکدیگر قرار داده و می‌سراید که وصف‌ناپذیر است. شعر لطیف مردمی سیستانی که در رسای دین، شریعت، نژاد و خاک و... بیان می‌شود و همه نشانه وجود زمینه‌های ارزشمند شعری در نسل جوان است، در کمتر سرزمینی یکجا یافت می‌شود.

از این روست که می‌تواند برای نسل جوان این خطه نیز جای ارزشمند و قابل توجهی را داشته باشد. برگزاری جشنواره‌هایی از نوع جشنواره شعر و داستان جوان سوره دست با تگاهی حمایتی به برخی از استان‌ها و مقایسه نمودن آنها با استان‌های برخوردار و دقت در به کارگیری از کارشناسان فرهنگ اصیل هر استان زمینه قضاوت برابر را بر قدرت بخشیده و امید سروده‌های رو به تعالی تکنیکی و محتوای بیشتری را در نسل جوان ایجاد کرده است.

مقایسه شاعران همه استان‌ها در کنار هم که دارای امکانات روز نقد و بررسی و آموزش در هر لحظه از شعر خود را دارند با شاعری که شاید هر از چندگاهی بتواند خود را به مرکز برای ارائه اثر خود و بررسی کارشناسانه آن توسط صاحب قلمی توانا برساند در یک ترازو قرار نمی‌گیرد.

شاید ایالتی کردن نشریات شعر جوان و خروجی جشنواره‌های نهم منطقه‌ای و انتخاب کامل از هر استان بتواند این انگیزه رو به گسترش را در بین شاعران بیشتر جاری سازد. ■

* سرپرست حوزه هنری سیستان و بلوچستان

علی رضایی *

یادداشت



حکایت همچنان باقی است

با یکی بود یکی نبود، همه چیز آغاز شد و با حکایت جدایی از نیستان، حکایت همچنان باقی است؛ اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرکش شیرین گفتار گوش جان به دهان قصه‌گویان سپردیم و با پر سیم‌رخ به سایه همه رسیدیم و از آنجا بر شاخه طوبی ماؤا گزیدیم و دیده به دهان مادر بزرگ خیره ساختیم و قد کشیدیم و انگشت در چشمه مهریانی، تر کردیم و در مکتب‌خانه، کتاب خدا را ورق زدیم و از آنجا الف لام میم دیده به دیدار دوست تازه کردیم و یک حرف دو حرف بر زبان نهادیم و باز هم قد کشیدیم تا بدانجا که بدانیم که از کجا آمده‌ایم و قرار است به کجا بال بگشاییم.

و اینها همه شد دیوان‌ها و دفترها که در یک واژه ماؤا گزیدند و به روی ما با تبسم شکوفا شدند و ما را نیز به شگفتن فراخواندند. ما نیز با همان یکی بود چنان انس گرفتیم که مهرش با شیر اندرون شد و با جان هم به در نرود و از بود به هست رسیدیم و خواهد ماند که یکی هست و هیچ نیست، جز او چه شیرین حکایتی است که هنوز هم پای آن واژه کود کانه نشسته‌ایم تا دستمان را بگیرد و پا به پا ببرد و به آنجا که از دوغ دروغ خبری نباشد و بالا برویم پایین بیاییم همه راستی ببینیم.

طرفه شورستانی است وادی داستان که حضورستانی خوش نوید می‌دهد و همواره فرهنگ این سرزمین را گران سنگ می‌نماید و این وزن آن گاه وزین تر می‌شود که حکایتگر و حکایت‌نویس بر مدار همان یکی بود بچرخد و جز او به هیچ ننگرد.

اگر امروز ادبیات داستانی اعتباری یافته که خوش هم، یافته است از آن است که در نقطه نگاه قلم سپیدی راستی قرار دارد و راست قامتانی که نه خود و نه هیچ آفریده‌ای را خمیده و دوتا شده نمی‌خواهند.

ادبیات داستانی وادی حرمتی شده که در حریمش جز به پاکی راهی نیست که در آنجا هر چه هست، عزت است و سربلندی و نام‌آورانی که ارجمندی نام را به منت‌نان نیالوده و آبروی فقر و قناعت را در پای هیچ گوهری نمی‌ریزند.

زیباتر آنکه حکایت‌گران با صداقت سرمایه جوانی و پرهیز از جویایی هر بدنامی در سایه طوبیای پربار فرهنگی که از کوثر زلال یکی بود همیشه مانا سیراب می‌شود بر گستره‌های حضور دارند که تا به امروز جز پاکی و راستی در آن انتظاری نیست. ■

* رئیس حوزه هنری استان هرمزگان

راویان انقلاب و روایت داستان روزهای دور و نزدیک...

فاطمه نوفلی



این چینی دارند؛ به طوری که به صورت موضوعی برای یک جشنواره داستانی خلق می‌کنند و تا اعلام جشنواره‌های آتی داستان دست به قلم نمی‌شوند و در عوض خلق داستان‌های جدید، با ایده‌های نو تنها به خلق یک اثر بسنده و آن را برای چندین جشنواره ارسال می‌کنند. گویی نویسنده در تمام این مدت دغدغهای اساسی برای نوشتن و خلق آثار نداشت است.»

داور دهمین جشنواره شعر و داستان سوره در ادامه با انتقاد از موضوعیت نداشتن بعضی آثار ارسالی خطاب به نویسندگان اظهار داشت: «برخی از آثار به دست ما رسید که با وجود داشتن ارزش‌های ادبی و هنری لازم به دلیل نبود تناسب و هم‌خوانی به لحاظ محتوا و موضوع با چارچوب‌های اعلام‌شده در داوری کنار گذاشته شد.»

من به دنبال نگاه تازه‌ای در نسل جوان بودم

حسین فتاحی از دیگر داوران بخش داستان جشنواره سوره سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد: «در تمام طول مدت داوری تصور این بود که یک داستان انقلابی از دیدگاه جوانی که هنگام انقلاب حتی متولد نشده، با دیدگاه من به عنوان نسل انقلاب که در آن فضا زندگی کرده‌ام، چه تفاوت‌هایی خواهد داشت. من دنبال داستان انقلابی‌ای بودم که با نگاهی تازه نوشته شده باشد؛ داستانی که راوی روزهای پس از انقلاب یعنی روزهای تثبیت انقلاب باشد؛ داستانی که به تحقق اهداف انقلاب بپردازد و به دستاوردهای انقلاب نگاهی بیندازد؛ اما متأسفانه شاهد خلاف این قضیه بودم و اکثر داستان‌ها تنها به روایت فضای پخش اعلامیه‌ها، شعار دادن‌ها و مرگ بر شاه گفتن‌ها و... بسنده کرده بودند.» وی با اشاره به اینکه جمع حاضر یک جمع خانوادگی است، توقع خود را از جمع نویسندگان جوان این‌گونه بیان کرد: «جوان امروز باید تازه و توان و استعداد سرشار باید ترس را کنار بگذارد و در روایت داستان‌های خود صریح و بی‌پرده سخن بگوید.»

ادامه دارد...

این داور جشنواره همچنین با تمجید از جوانان مستعد کشور مان اظهار داشت: «پس از گذشت این سال‌ها نویسندگان جوان نسبت به گذشته تواناتر شده و این درست شبیه یک معجزه است که جوانان کم‌سن و سال بدون داشتن تجربه زندگی و مطالعاتی کافی و حضور در فضای انقلاب، داستان‌های تأثیرگذار در حد و مرتبه بهترین داستان‌ها نوشته‌اند. همیشه می‌گویند فرزند زمان باش، اما اعتراف می‌کنم که نسل جوان حتی پیش‌تر از زمان خود حرکت می‌کند.»

وی در ادامه اضافه کرد: «از دیگر مشکلات اصلی نداشتن دیدگاه و نگاه نویسنده در بطن داستان‌هاست. نویسنده به عنوان یک هنرمند باید نسبت به انسان، تاریخ، فلسفه، زندگی، ادبیات، قصه و جریان‌های ادبی شناخت کامل و همچنین دیدگاه و نظر شخصی داشته باشد که متأسفانه چنین پارامتری در روند داستان‌های ارسالی دیده نمی‌شد.»

شجاعی همچنین با تمجید از نویسندگان جوان و مستعد کشور مان اضافه کرد: «امروز ایران اسلامی مهد پرورش استعداد‌های جوانانی است که برای انسان معاصر حرف‌های گفتنی و شنیدنی بسیاری در زمینه ادبیات، شعر و داستان دارند.»

نویسندگان همچون رزمندگان تلفنی عمل نکنند

در ادامه این کارگاه داستان، محمدرضا پیرامی در آغاز سخنان خود برای توصیه به داستان‌سرایان نکردن صرف، به صورت جشنواره‌ای و گزینشی خاطر‌های از دوران جنگ را بازگو کرد: «در زمان جنگ تحمیلی از یکسری از رزمندگان با عنوان رزمندگان تلفنی یاد می‌شد. به این معنا که این عزیزان همیشه در جبهه‌های جنگ حضور نداشتند. بلکه هنگامی که عملیات مهمی در پیش بود، این رزمندگان را با خبر می‌کردند، آنها به قصد حضور در این عملیات خاص در جبهه‌های جنگ حاضر می‌شدند و پس از آن به شهر خود بازمی‌گشتند. هم‌اکنون نیز بعضی دوستان داستان‌سرای جوان در جشنواره‌های مناسبی حضور

اولین نشست از سری کارگاه‌های داستان جشنواره شعر و داستان جوان با حضور استادان حوزه داستان‌نویسی امیرحسین فردی، حسین فتاحی، یوسف علی‌خانی، محمد مهدوی شجاعی و محمدرضا پیرامی تشکیل شد.

شبیه یک معجزه

در ابتدای این نشست صمیمانه، محمد مهدوی شجاعی، داور این دوره از جشنواره پس از تشکر و سپاس از امیرحسین فردی، مدیر مرکز آفرینش‌های هنری و کمال شفیع، دبیر هنری جشنواره برای دریافت اختیار گذاشتن فرصت برگزاری کارگاه‌های داستان به نقد آثار ارسالی پرداخت و نقاط ضعف و قوت آثار داستانی را بررسی کرد.

وی خطاب به داستان‌نویسان جوان حاضر در این نشست اظهار داشت: «به دلیل ضعف آشکار بعضی از آثار دریافت‌شده با خواندن پاراگراف‌های اولیه به راحتی تفاوت یک نثر قوی و زبان ادبی توانمند با آثار ضعیف و ابتدایی آشکار می‌شد و متأسفانه با وجود زیبایی و جذابیت ایده بسیاری از داستان‌ها، ضعف نثر و زبان ادبی آنها سبب شد تا امتیازی به آنها تعلق نگیرد. البته دوستان جوان ما با بالا بردن تجربه مطالعات داستانی و همچنین آشنایی بیشتر با نثر داستانی می‌توانند بر این ضعف غلبه کنند.» شجاعی در ادامه تصریح کرد: «از دیگر مشکلات عمده، می‌توان به چگونگی آغاز داستان‌ها اشاره کرد. در برخی داستان‌های ارسالی پس از گذشت چندین صفحه هنوز موضوع داستان آغاز نشده بود. بدیهی است در داستان کوتاه، مجال طولانی برای طرح موضوع وجود ندارد. اما متأسفانه در بخشی از آثار ارسالی جذابیت لازم در بخش روایی و ساختاری داستان برای ادامه خواندن دیده نمی‌شد. همچنین به طور کلی پایان‌بندی داستان‌ها دچار ضعف بود؛ گویی نویسنده در پایان داستان خسته شده و بدون صرف زمان لازم برای پرداختن به یک پایان اصولی به تولید یک اثر مطلوب از سوی خود لطمه زده است.»

باز بهت خندیدم!

گریزی به قالب های شعر و داستان طنز در گفت و گو با ابوالفضل زرویی نصر آباد

در حالی که رشد آمار جشنواره ها و شرکت کنندگان آنها نشان دهنده استقبال از این رویداد هنری، علمی و... در سطح کشور است، بروز انتقادهایی از گوشه و کنار نیز به ویژه از ناحیه استادان و کارشناسان، ذهن را درگیر فلسفه و جودیت یا احتمالاً نیاز به برخی اصلاحات در شیوه برگزاری آنها می کند. زرویی نصر آباد، پایه گذار و مدیر پیشین دفتر طنز حوزه هنری است و صاحب آثاری همچون «تذکره المقامات»، «فسانه های امروزی»، «رفوزه ها (مجموعه شعر)» و «حدیث قند (مجموعه مقالات)» است که شب شعر طنز «در حلقه زندان» از جمله یادگاری های او در حوزه هنری است. به بهانه برگزاری جشنواره شعر و داستان جوان سوره با این شاعر و پژوهشگر ادبی کشور به گفت و گو نشستیم که در ادامه می خوانید:



مریم گلیزار

جشنواره شعر و داستان جوان سوره، جشنواره های ادبی است. جایگاه طنز در ادبیات ایران کجاست؟

از ابتدای شکل گیری ادبیات فارسی، طنز در ادبیات وجود داشته است. اینکه چقدر مردم ایران مثل هر ملت دیگری طرفدار شادی و شادمانی بوده اند، در همه کتیبه های باقی مانده از دوره هخامنشی دیده می شود. در این کتیبه ها ستایش امروز ما به چند سبب صورت گرفته که یکی از آنها پس از ستایش برای آفرینش آسمان، زمین و مردم، ستایش برای آفرینش شادی است؛ بنابراین مردم همواره شادی را به غم ترجیح می داده اند.

نخستین متنی که از گذشته برای ما باقی مانده و رنگ و لعاب طنز دارد، کتاب «درخت آسوری» است که در مورد مناظره درخت نخلی در آسورستان با یک بز است و به زبان پهلوی است. پس از اسلام، طنز جایگاه جدی تری پیدا می کند و اساساً طنز امروز، هم از نظر واژگان و هم از نظر دسته بندی، موقوف به طنز عربی است؛ حتی نام گونه های مختلف شوخ طبعی مانند هزل، هجو، فکاهه و طنسز از واژگان عربی گرفته شده است.

در ادبیات معاصر، بروز و ظهور طنز بیشتر در دوره هایی است که فشارها بر مردم و به دنبال آن انتقادهای مگو بیشتری می شود؛ چرا که بسیاری حرف هایی که به طور جدی نمی توان زد، به زبان طنز قابل طرح است؛ به همین دلیل طنز در این دوره در موقعیتی ویژه قرار می گیرد.

ادبیات طنز ایران در جهان چه جایگاهی پیدا می کند؟

ما ایرانی ها با این اغراق که «هنر نزد ایرانیان است و بس» تصور می کنیم که پایه گذار همه گونه های هنری و ادبی و صنعت گری در

دنیا هستیم؛ حال آنکه همه کشورهای دنیا این گونه ها را برای خودشان تعریف کرده اند. نکته در خور توجه آن است که ایرانی ها در دنیا مردمی شوخ طبع شناخته نمی شوند و هیچ کدام از جهانگردانی که به ایران سفر کرده اند، مردم ما را شوخ طبع و بشاش تعریف نکرده اند؛ اگر چه به مهمان نوازی و خونگرمی معروف اند.

اساساً می گویند ایرانی ها را به سادگی نمی توان خندان.

این به این علت است که آن قدر مشکلات و معضلات از نظر تاریخی بر پیشانی گذشته ایرانیان داغ زده که گویا هر کسی از خندیدن وجود دارد. دلیل دیگر، ویژگی های فرهنگی است؛ مثلاً مادر هنگام توبیخ به فرزندش می گوید: «باز بهت خندیدم.» ما یاد گرفته ایم که اگر به کسی لبخند بزنیم، مورد سوءاستفاده قرار خواهیم گرفت. خندیدن بلند خانم ها، سبک سری آنها قلمداد می شود و خنده مدیر یعنی می توان از کار فرار کرد؛ بنابراین ترس از خنده به وجود می آید؛ ضمن اینکه ادب شرقی اساساً خندیدن منافات دارد و آن را سبک سری می داند. در چین و ژاپن، هیچ گاه غش غش خنده نمی بینید؛ لبخند ملیحی که دندان ها پیدا نشود، همراه با خضوع و خشوع.

آیا کارکرد طنز، خندانندن قهقهه آمیز است؟

در اصل وظیفه طنز هم خندیدن قهقهه آمیز نیست. طنز ایجاد نشاط قلبی و دل خنک شدن است؛ مثلاً ممکن است برای انتقاد از بزرگ ترهای خانواده به نحوی که هم متوجه اشتباهان شوند و هم کدورتی پیش نیاید، از زبان طنز استفاده کنید یا در محل کار، کارمندی می تواند با یک شوخی، مشکلات مجموعه را بدون آنکه اخراج شود، بیان کند و دل بقیه همکاران را خنک کند؛ بنابراین طنز می تواند اشکالات و اشتباهات مردم و دولتمردان را برای دل خنک شدن بیان کند و این کارکرد طنز است.

چرا دیگر طنز مردمی در حد «گل آقا» نداریم؟

صد درصد داریم؛ فقط رسانه اش متفاوت و پراکنده تر شده است. در دوره چاپ گل آقا، اینترنت به این صورت فراگیر نشده بود. امروز وبلاگ نویسان می توانند در هر گوشه از کشور مطلبی بنویسند که چندین لایک از سراسر دنیا دریافت کند. این رسانه فراگیر، کمتر دیده می شود؛ اما اگر آماری از وبلاگ های طنز آمیز و خوانندگان آنها تهیه کنیم، بسیار بیشتر از ۱۰۰ هزار نسخه تیراژ گل آقا در روزهای اوجش خواهد شد که متأسفانه از آن نظر که مکتوب نمی شود، به چشم نمی آید. با وجود این گاه طنزهایی در قالب «پ نه پ» و... که گردآوری و چاپ می شود.

نگاه جشنواره های طنز آیا فایده ای برای آن دارد؟

متأسفانه خیر؛ جشنواره با اهداف شناسایی، جذب، آموزش، پرورش استعداد و استفاده از آن برپا می شود. ما در جشنواره هایمان به تعبیر یکی از دوستان «کشف و خنثی» می کنیم؛ به این معنی که نخست استعداد جوانی را کشف می کنیم، به آن اطمینان می دهیم که طنز پرداز است و لوح تقدیری هم به او اعطا می کنیم، سپس بدون آنکه بتوانیم او را آموزش دهیم، او را راه می کنیم؛ چرا که سرمایه ای برای دعوت از استادان به منظور آموزش اختصاص داده نمی شود یا اصلاً شاید خود آن جوان، فرصت و مجال این کار را نداشته باشد.

چنین کسی با نوعی توهم در مورد اینکه طنز پرداز خوبی است و بین کسانی که اثر خود را فرستاده اند، از همه تر است. از فعالیت با می ماند و در واقع خنثی می شود. کم پیش می آید به چهره ای بر خورد کنیم که از طریق این جشنواره ها شکوفا شده باشد؛ مگر اینکه به راستی انرژی دوچندانی گذاشته باشد.

همراهی مضمون انقلاب و دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان

عزت الله الوندی * گفت و گو

و در ک دارد و هم اینکه بعضی وقت ها حتی می تواند نسبت به رفتارهای ما ایراد بگیرد. بنابراین دو خطر داریم؛ یکی کم فهم پنداشتن کودک و دیگری خارج از محدوده درک کودک سخن گفتن است. کودک وقتی با نویسنده ای روبه رو می شود که شعورش را دست کم می گیرد، از اثر وازده می شوند؛ همچنین زمانی که خارج از فهم کودک و نوجوان حرف بزنیم هم کودک را از ادبیاتش دور می کنیم. پس مقوله حساسی است که باید بسیار توجه شود و از این نظر نویسنده کودک و نوجوان باید یک نویسنده حساس باشد و بتواند مرز این دو خطر را در یابد و متعادل در مسیری بین این دو خط حرکت کند.

چه مفاهیمی قابلیت گنجاندن در آثار کودکان را دارد؟

برخی مسائل وجود دارد که نیازی نیست کودک به آن اشراف داشته باشد؛ مانند توضیح مسائل فلسفی پیچیده برای کودک؛ ولی گاهی مفاهیمی وجود دارد که مناسب کودکان است و باید کودک با آن ارتباط منطقی پیدا کند. محدوده ای است که باید آن را با توجه به جامعه شناسی و روانشناسی کودک بشناسیم، نویسنده ای که برای کودک و نوجوان به خلق اثر می پردازد، باید با رعایت خط قرمزها، مقوله های مناسب و نامناسب کودک و نوجوان را پیدا کند.

* نویسنده و داور بخش کودک و نوجوان

آیا ادبیات انقلاب با دنیای کودکان تناقض ندارد؟

به نظر من ادبیات انقلاب با دنیای شاد اما واقعی کودک و نوجوان تناقضی ندارد؛ ضمن اینکه برای پرداختن به یک سری مقوله ها شگردهای خاصی داریم که به نویسنده کمک می کند تا حتی موارد تلخ را هم در شعر و یا داستان بیاورد. اگر روشی استفاده شود که منجر به آموزش کودک و نوجوان شود و کودک به یک پالایش درونی برسد و لذت کشف و شهود در اثر آموزش به قدری باشد که در کنار آموختن، لذت هم ببرد، موفق شده است.

دغدغه فکری شما درباره ادبیات کودک و نوجوان در حال حاضر چیست؟

چند سالی است که به ادبیات کودک و نوجوان جدی نگاه شده است. ادبیات کودک و نوجوان، حوزه ای تخصصی است که در خیلی از موارد از ادبیات بزرگسال گسترده تر است. نویسنده کودک و نوجوان باید کودک و زبان کودک را بشناسد و اخلاق اجتماعی کودکان را در نظر بگیرد. یعنی بحث جامعه شناختی و روانشناسی و اشراف به رفتارهای کودک مطرح است. نویسنده باید بتواند حرفی بزند که کودک آن را بپذیرد. به قول مولانا «چون سر و کار تو با کودک فتاد، هم زبان کودک باید گشاد» زبان کودک به معنای این نیست که خیلی ساده مطلب را بیان کنیم. در حد یک آدم با فهم پایین. کودک هم به طبع چند سالی که زندگی کرده فهم

پرسش از اهالی ادبیات به ویژه صاحب نظرانی که در حوزه کودک و نوجوان فعال هستند، از دو جهت پرسشی قابل تأمل و اساسی است؛ نخست اینکه، توجه حوزه هنری پس از بیانات مقام معظم رهبری در مورد ادبیات کودک و نوجوان و لزوم توجه بیشتر به این حوزه، نیازمند دانستن نظر کارشناسان این حوزه است و از این منظر نگرش دقیق به این مقوله ضروری است.

این اهمیت، وجه دومی نیز دارد و آن اینکه پیش رو آمدن این پرسش نشان از قوام و حیات نسبی ادبیات کودک دارد. یکی از بخش های نهمین و دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره، ادبیات کودک و نوجوان است که از دوره نهم به این جشنواره اضافه شده است. این جشنواره همچنین بخش ویژه ای دارد به نام انقلاب اسلامی که قرار است از این پس جزء لاینفک جشنواره جوان سوره باشد.

همراه شدن این دو مقوله، (مضمون انقلاب اسلامی در قالب ادبیات کودک و نوجوان) و همچنین اهتمام ویژه حوزه هنری به این دو موضوع ما را بر آن داشت تا چگونگی تلفیق مضمون انقلاب اسلامی و ادبیات کودک و نوجوان را از نویسندگان کودک و نوجوان جويا شويم که در ادامه خواهد آمد.



گزارشی از کارگاه شعر

داوران از شعر جوان چه می‌گویند؟

بیدج به عنوان شاعری که تجربه ترجمه هم دارد، به مخاطبان خود، پیشنهاد یادگیری زبانی دیگر را داد و گفت: «علم روانشناسی می‌گوید، حتی کسانی که زبان مادری متفاوت از زبان ملی خود دارند، مانند کسی که به جز زبان فارسی، زبان ترکی هم بلد است، از این نظر که مغزش دو انشعاب پیدا کرده، زوایا و پنجره‌های بیشتری برای دیدن دنیا در اختیار دارد و او را با فرهنگ‌های دیگر آشنا می‌سازد؛ ضمن اینکه برای یادگیری زبان سوم به زمانی نصف زمان دیگران نیازمند است.»

فکر را نمی‌توان نمره داد

ناصر فیض، دبیر بخش شعر کلاسیک جشنواره، پس از ابراز خوشحالی از بودن در شهر ارومیه و بیان اینکه این شهر را از آن نظر که خود آذری است، به نوعی زادگاه خود می‌داند، گفت: «این صحبت‌ها درباره داوری، مرا به یاد مرحوم قیصر آق‌بصر امین پور می‌اندازد که در هیچ داوری‌ای شرکت نمی‌کرد؛ چرا که می‌گفت: «چطور می‌توان به فکر کسی نمره داد و اصلاً چه حقی برای این نمره دادن وجود دارد؟» به راستی اگر بخواهیم به سعدی و مولانا نمره بدهیم، چه نمره‌ای باید بدهیم؟» وی با بیان اینکه شرکت در جشنواره به نوعی نقض غرض است، افزود: «اگر هزار اثر به یک جشنواره برسد، هزار مدعی برای پذیرفته شدن وجود دارد و این کار داوری را بسیار مشکل می‌کند.»

دبیر بخش شعر کلاسیک جشنواره ضمن تصریح اینکه نکته که جشنواره هدف نهایی نیست، نقش آن را مانند یک ویتروین دانست که قرار است موقتاً کارها را نمایش دهد. او ادامه داد: «اگر هنگام شرکت در جشنواره، این نکات را لحاظ نکنید، پس از مدتی از کارتان سرخورده می‌شوید؛ البته این به این معنی نیست که کسانی که در جشنواره‌ها شرکت می‌کنند، کار بدی می‌کنند، بلکه گاهی شرایط به گونه‌ای است که باید این کار را کرد.»

فیض با اعتقاد به اینکه شعر جوان امروز مشخصه‌های خود را پیدا کرده و دارای هویت و شناسنامه شده است، به برخی نقاط ضعف در آثار اشاره کرد و گفت: «چگونه است که اگر یکی از اشعار بیدل را در دیوان حافظ قرار دهیم، مانند اسبی در یک گله گوسفند پیدا است؟ یعنی معلوم و مشخص است که جزو این دیوان نیست؛ اما شعر جوان امروز بیشتر اوقات این گونه نیست و نمی‌توان از روی اشعار، شاعران آنها را تشخیص داد.»

ذوق سلیم و گذر زمان

سعید بیابانکی، داور بخش شعر کلاسیک نیز به عنوان پیشنهاد درباره افزایش تعداد داورها برای بالاترین دقت در داوری سخن گفت و ادامه داد: «بسیارند کسانی که شاعر نیستند و مثلاً معلم یا کتابفروشی هستند که شعر را به خوبی می‌شناسند و چقدر خوب است که از چنین کسانی در ترکیب داوری استفاده شود.» وی سپس به اهمیت وجود «ذوق سلیم» - که آن را ذوقی که مورد عنایت هم خواص و هم عوام قرار می‌گیرد، تعریف کرد- در آثار پرداخت و بهترین داور برای کارها را «گذر زمان» دانست که کمک می‌کند آثار ماندگار از آثار دیگر باز شناسانده شود. در این جلسه سپس «حسین اصغر پور» از گیلان، «علی فردوسی» از اصفهان، «مرضیه انسان دوست» از ارومیه، «فاخره امینی» از اراک و... شعر خواندند و داوران درباره آنها نظر دادند. ■



سپیدنامه به کدگذاری اشعار اشاره کرد و گفت: «داوران از نام شاعران هیچ گونه اطلاعی نداشتند و فقط با شعر در ارتباط بودند؛ به این ترتیب داوری‌ها در کمال بی‌طرفی صورت گرفت. البته ضریب خطا همواره وجود دارد که به هر حال جزو کار داوری است. این ضریب در مطالعات علوم انسانی هیچ‌گاه به صفر نخواهد رسید؛ اما ما اطمینان داریم که نتایج با ۹۵ درصد اطمینان و ۵ درصد ضریب خطا به این مرحله راه پیدا کرده‌اند.»

«علم» و «تجربه» همراه با «ذوق و سلیقه»

در ادامه جلسه، موسی بیدج، داور بخش شعر نو، درباره داوری شعرها گفت: «به نظر من در داوری‌ها سه عنصر نقش دارند: «علم»، «تجربه» و «ذوق و سلیقه». بیدج، علم را که مقیاس و پایه و اساس ارزیابی است، ۴۰ درصد از کار داوری، تجربه مطالعه و تحقیق را که طی سالیان دراز کسب می‌شود، ۲۰ درصد و ذوق و سلیقه داور را ۲۰ درصد دیگر از کار داوری بیان کرد.

داور بخش شعر نو سپس به ارزیابی کلی آثار ارائه شده در این بخش پرداخت و گفت: «آنچه من در اشعار امروز جوانانمان می‌بینم، شتابزدگی است که یکی از نقاط ضعف آن است.» وی به شاعران بزرگی چون سهراب سپهری و احمد شاملو اشاره کرد که سعی در پنهان کردن اولین مجموعه‌های خود داشته‌اند؛ چرا که پس از چند سال و رسیدن به پختگی لازم به این نتیجه می‌رسیدند که در ثبت آثار خود در جوانی شتابزده عمل کرده‌اند.

بیدج تشابه شعرسرایي نسل جوان را با هم از دیگر نقاط ضعف این اشعار دانست و گفت: «برخی می‌گویند گفتن شعر سپید راحت‌تر است. اگر این طور است چرا اشعار مثل هم‌اند؟ چرا این اشعار راه‌های دیگری که دیگران نرفته‌اند، طی نکرده‌اند؟»

وی با بیان اینکه شعر سپید اگر چه وزن و قافیه شعر کلاسیک را ندارد، باید از هارمونی برخوردار باشد، چنین نتیجه گرفت: «وقتی منابع خوانش و سرچشمه‌های اطلاعاتمان یکی باشد، شعرهایمان مثل هم می‌شود.»

پس از مراسم افتتاحیه در ساعت ۱۵:۱۲، کارگاه شعر جشنواره شعر و داستان جوان سورخ در سالن همایش خانه جوان ارومیه با حضور داوران این جشنواره «ناصر فیض»، «سعید بیابانکی»، «بهروز سپیدنامه» و «موسی بیدج» همراه با جمعی از شاعران جوان و مهمانان جشنواره برگزار شد.

ابتدای جلسه، کمال شفیعی، دبیر هنری جشنواره، ضمن بیان اینکه این جلسه برای ارتقا و بهبود سطح کارهای شاعران جوان برپا می‌شود، گفت: «در این جلسه قرار بر این است که شاعران جوان شعر خوانی کنند و داوران به توضیحاتی در مورد اشعار بپردازند.» سپس بهروز سپیدنامه با خواندن یک دوبیتی به مضمون «مه، پشت در است، رود سرگردان است، بی‌چتر نرو! خانه پر از باران است/ از جانب من بیوس ماهی‌ها را/ یادت نرود کلید در گلدان است» از «جلیل صفر بیگی» به معرفی داوران و توضیحاتی در مورد جلسه پرداخت.

فرایند داوری

وی به عنوان پیش‌درآمد این جلسه از فرایند داوری شعرها سخن گفت و تصریح کرد: «شعرها در دو بخش «شعرهای کلاسیک» و «شعر نو (سپید)» در دو مرحله داوری شدند. برای داوری فرم‌های جداگانه‌ای طراحی شد و داوری شعرها به صورت مجزا از هم صورت گرفت.» سپیدنامه همچنین به محدود بودن امتیازات هر فرم اشاره کرد و گفت: «وقتی امتیاز محدود باشد، پراکندگی نمرات داوران پایین خواهد آمد، واریانس نمرات کمتر می‌شود و به این ترتیب داوری‌ها دقیق‌تر انجام خواهد گرفت.»

داور بخش شعر کلاسیک، تعداد اشعار شرکت‌کننده در مرحله اول داوری را بالغ بر ۵۰۰ شعر اعلام کرد و گفت: «در بخش شعر سپید هم باید چیزی در حدود همین تعداد بوده باشد که در مجموع این تعداد به حدود ۱۲۰-۱۰۰ شعر تقلیل پیدا کرد و به مرحله دوم راه یافت. داوران مرحله دوم نیز از بین آنها بهترین آثار را برگزیدند که امروز این عزیزان در جمع ما هستند.»

هویت زنانه در اشعار امروز

مرضیه انسان دوست، شاعر ارومیه‌ای، میزبانی شهر خودش را از جشنواره رضایت بخش خواند و گفت: «این جشنواره حتی از دیگر جشنواره‌هایی که در این شهر برگزار شده، مثل «کنگره شعر مقاومت» در سطح بهتری قرار دارد. ارومیه پتانسیل تبدیل شدن به مرکزی فرهنگی در ایران را دارد و این پتانسیل فقط مربوط به زمان حاضر نیست. در واقع مولوی، مولوی نمی‌شد اگر با دو نفر، یکی شمس تبریزی و دیگری حسام‌الدین چلبی از خطه آذربایجان آشنایی شد.»

این شاعر جوان، شعری با مضمون «زن» خواند که مورد استقبال داوران قرار گرفت. او در این باره گفت: «خود خانم‌ها در این مورد که زبان معیار و زبان حاکم بر ادبیات ما (حتی تشبیهات، استعاره‌ها و...) مردانه است و از حضور آنها خالی است، بی‌تقصیر نبوده‌اند؛ البته از دهه هشتاد، گرایش به باورهای زنانه و آلمان‌های شعر زنانه بیشتر شده و اشعار کسانی چون لیلکا دیچه، راضیه بهرامی و همشهری خوبم خانم شاه‌حسینی زاده از هویت زنانه برخوردارند.» ■

شعر انقلاب، شعر رجز خوانی است

نظر داوران و حاضران در مورد شعر انقلاب «علی فردوسی» این بود که این شعر شعاری بود. خود او در زمینه می‌گوید: «تصدیق می‌کنم که برخی ابیات شعاری بوده؛ اما برای بیان موضوعاتی مانند انقلاب که حالت حماسی دارند، گریزی از شعار نیست و این مانند «رجز خوانی» در جنگ‌های قدیم است.» فردوسی درباره جشنواره امسال گفت: «اعتبار جشنواره‌ها به قدمت آنهاست که از این نظر جوایز این جشنواره، یکی از معتبرترین جوایز ادبی به شمار می‌رود. اسامی راه یافته به این جشنواره گویای این مطلب است که هدف، یافتن چهره‌های گمنام در شهرهای مختلف بوده تا به این ترتیب، پله پرتابی برای آنها فراهم شود. با این نگاه این دوره، یکی از دوره‌های موفق جشنواره بوده، ضمن اینکه یکی دو سال اخیر امکانات رفاهی برای پذیرفته‌شدگان نیز بهتر شده تا ساعات خوشی برای آنان به وجود آید. به نظر می‌رسد این جشنواره بودجه خوبی دارد که این مورد هم انگیزه مضاعفی برای شرکت در آن ایجاد می‌کند.» ■



یادداشت رودابه حمزه‌ای

جای خالی بیان واقع‌گرایانه در ادبیات کودک و نوجوان

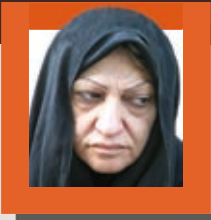
رودابه حمزه‌ای به جای خالی واقع‌گرایی در آثار مرتبط با کودک و نوجوان اشاره کرد و افزود: «به نظر من باید از فضایی که در شعر کودک داشتیم و غالباً به شاعرانگی آثار پرداخته می‌شد، فاصله گرفت و به حقایقی که لازم است بچه‌ها در کودکی با آنها آشنا شوند، بیشتر پرداخت.»

شاعر کودک و نوجوان، قرار گرفتن بخش کودک و نوجوان در جشنواره دهم سوره را بسیار مؤثر دانست و گفت: «از این منظر که بسیاری مراکز فرهنگی، کودک را موضوع برگزاری جشنواره قرار نمی‌دهند، برگزاری جشنواره‌های دارای بخش کودک و نوجوان خالی از فایده نیست و این اهمیت به لحاظ ایجاد جایگزین ذهنی برای کودکان بیشتر هم می‌شود؛ چراکه باعث سرمایه‌گذاری بیشتر برای آینده‌سازان ما خواهد شد.»

خالق اثر «خیال صورتی» گفت: «جشنواره‌ها عامل محرکی برای مؤلفان و نویسندگان هستند و هر چه در برگزاری این جشنواره‌ها تمرکز بیشتری صورت گیرد، از طرف نویسندگان هم دقت بیشتری اعمال خواهد شد.»

حمزه‌ای تجربه پرداختن به انقلاب اسلامی را در آثار کودک و نوجوان برای شاعرانی که به‌تازگی وارد این عرصه شده‌اند، کمی مشکل دانست و گفت: «من قدری این کار را برای نوقلمان سخت می‌بینم؛ مگر اینکه آن قدر مطالعات در این زمینه زیاد باشد؛ همچنین آثار جنگی و خاطرات و... خوانده شده و در ذهن نویسنده مورد بازخوانی قرار گرفته باشد که او بتواند بدیع و خلاقانه و در عین حال مستند، آثار خود را ارائه دهد. وقتی تجربه ملموس و در روایت داستان قرار گرفته باشد، دلچسب‌تر می‌شود.»

وی درباره نقش حوزه هنری در تربیت شاعران جوان علاقه‌مند به ادبیات کودک و نوجوان گفت: «حوزه هنری با برگزاری کلاس‌های آموزشی، برپایی جلسات نقد و بررسی و با آثاری که چاپ می‌کند و در اختیار نوقلمان قرار می‌دهد، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در زمینه آموزش علاقه‌مندان ادبیات کودک و نوجوان داشته باشد.»



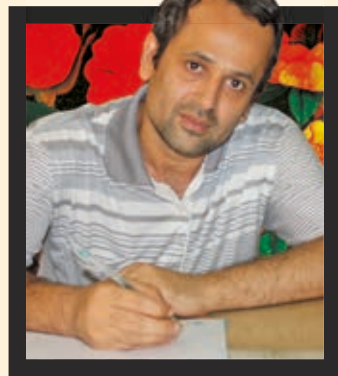
برنامه‌ریزی‌هایی برای کشف استعدادها و جدید انجام دهند. یک نویسنده خوب به جز کسب تجربه باید معلومات عمومی خوبی داشته باشد و از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... تا حدودی سر در بیاورد. جوانان ما شاید بتوان گفت بهترین‌های خود را از سی سالگی به بعد می‌نویسند. اکنون نیز در شاخه‌های گوناگونی که مهم‌ترین آن ادبیات دفاع مقدس با مضامین دفاع، ایثار و... حرف‌های زیادی برای گفتن داریم؛ اما برای آشکار شدن و ارزش‌گذاری بهتر نیاز به گذر زمان است. در واقع پس از گذر موج زمان است که مروری داشته باشند. ■

* دبیر انجمن قلم ایران و همکار ویژه

عباس یکرنگی

بازگشت به اصالت‌های فرهنگی

اخبار جشنواره را نه از طریق رسانه‌های عمومی، بلکه از طریق شفاهی و دوستان دیگر می‌شنوند. تدارک اطلاع‌رسانی پیام کوتاه و تکمیل یک بانک اطلاعاتی از این عزیزان می‌تواند بسیار مؤثر باشد. انتخاب و چیدمان داوران و نوع برخورد با این قشر در ترغیب دوستان شاعر و نویسنده به همراه شدن با اهداف حوزه بسیار مؤثر است.



انقلاب اسلامی بدون شک با شعارهای فرهنگی به پیروزی رسید. طلایه‌داران و بزرگان این انقلاب بزرگ شعارها و اهداف انقلاب اسلامی را نه مسائل اقتصادی، بلکه حل مشکلات فرهنگی عنوان کردند و همین اهداف نیز عملاً بعد از پیروزی دنبال شد. نتیجه چنین ماجرای لایذ باید گسترش فرهنگ و با توجه به نوع ساختار فرهنگی کشور ما ادبیات در همه اقسام آن باشد. آنچه طی این سی سال شاهد آن بودیم، گسترش جریانی در ادبیات بود که اخلاق را شعار خود کرده بود. این روند گسترش در حوزه شعر که از الگوهای تمام‌عیاری برخوردار بود، بیشتر به چشم می‌آید تا در حوزه رمان و داستان؛ به گونه‌ای که در

شاعران، مرجان‌های اقیانوس زبان هستند و برای پالوده و تمیز کردن زبان می‌آیند. به این اعتبار در هر دوره‌ای که این دسته از مردمان افزایش پیدا می‌کنند، می‌توان چنین تصور کرد که زبان در معرض تهدید است؛ بنابراین می‌توان اندیشید که افزایش تعدد برپایی جشنواره‌هایی اینچنینی، خود می‌تواند عاملی برای تکثیر و کشف شاعران و نویسندگان عرصه ادبیات باشد؛ اتفاقی که به جز آنکه از مرزهای زبان و فرهنگ حراست می‌کند، می‌تواند در کنار خود مروج اخلاقی باشد که میراث پدران است و هدیه از آسمان. شاعر و نویسنده با اخلاقی می‌تواند آسمان را به زمین پیوند بزند و مگر نه آنکه حضرت مصطفی (ص) می‌فرماید: «شاعران شاگردان حضرت رحمان‌اند.»

البته آسیب‌هایی نیز بر این جشنواره‌ها وارد است. آسیب‌هایی که بیشتر به شکل برپایی جشنواره‌ها برمی‌گردد؛ نه به شاعران. یعنی همان گونه که برپایی سنجیده و درست یک جشنواره و حمایت و هدایت استعدادها و جوان به سمتی که هدف جشنواره است و در این مورد خاص جشنواره شعر و داستان جوان سوره «اخلاق و بازگشت به اصالت‌های فرهنگی» با توجه به اهداف حوزه هنری می‌تواند ما را به اهدافی که می‌خواستیم برساند، یک حرکت اشتباه چه بسا همه اهداف جشنواره را زیر سؤال می‌برد؛ بنابراین آنچه در نخستین گام باید اندیشیده شود، هدف‌گذاری درست و برنامه‌ریزی دقیق برای رسیدن به این هدف است.

مسئله دوم اطلاع‌رسانی درست است که باز به مسئله برنامه‌ریزی برمی‌گردد. طی ۱۷ سالگی که به کار فرهنگی و حشر و نشر با شاعران و نویسندگان اشتغال دارم، به این نتیجه رسیده‌ام که بسیاری شاعران و نویسندگان خوب جوان،

درخت به ثمر رسیده

جشنواره‌ای که به دهمین دوره خود رسیده، به بالیدگی رسیده و به یقین درختی است که زمان ثمر دادن آن است. من از آنجا که خود، یکی دو بار (از جمله سال گذشته در ایلام) داور این جشنواره بوده‌ام، تصویری که از آن در ذهنم مانده، جمع شدن پذیرفته‌شدگان کنار هم است که با شور و علاقه خاصی گرد هم آمده بودند. آنها از اینکه دیده شده بودند، خوشحال بودند و امیدوار بودند که بتوانند این راه را ادامه دهند.

من فکر می‌کنم به‌ویژه جوانان دوست دارند مراکزی و جشنواره‌هایی باشند که صدای آنان را بشنوند و چنین رقابت‌هایی باعث می‌شود بسنجد که کجا

ایستاده‌اند و اگر موفق نبوده‌اند، بدون ناامیدی، بیشتر بخوانند، بنویسند و تمرین کنند. **نسل جدید داستان‌نویسی** داستان معاصر کاروانی است که نسل جدید از پشت در حال اضافه شدن به آن است. ممکن است برخی جلودار و برخی در میانه راه حرکت کنند؛ در هر حال آنها هستند که باید با حضور خود، این عرصه را تقویت کنند. جوان دارای فکر نو، نگاه نو و جسارت است و به‌ویژه باید تکنیک هم بداند؛ ضمن آنکه نگاه ارزشی هم داشته باشد؛ یعنی محتوایی را برگزیند که پیام‌های اخلاقی و انسانی دربر داشته باشد. در این صورت می‌تواند ادامه‌دهنده این راه باشد. بیشتر داستان‌نویسان جوان به جز عده کمی

که با اتکا به استعداد و توانایی خود می‌نویسند، در کلاس‌های آموزشی داستان‌نویسی شرکت می‌کنند؛ به همین دلیل تکنیک را آموزش می‌بینند و استعدادهایشان بهتر نمایان می‌شود. **آینده قضاوت خواهد کرد** قالب‌های جدید داستان‌نویسی شاید در حدود یک سده است که به ایران رسیده و کار می‌شود؛ اما ما در داستان‌نویسی کلاسیک، پیشینه قوی‌ای داریم؛ حکایت‌ها و داستان‌های فولکلور و... از این دسته‌اند. در مجموع حرکت جوانان رضایت‌بخش است و ما از جوانان کشورمان ناامید نیستیم. اگر هم کاری باید صورت گیرد، در مورد زمینه‌سازی و پشتیبانی مسئولان فرهنگی است، از این نظر که

مرواریدها پس از گذر موج زمان

عرصه ای برای تجلی استعداد های جوان

جشنواره سراسری شعر سوره، یکی از بهترین عرصه ها برای تجلی استعدادهای نسل جوان شعر ایران است. مهم ترین نکات مثبت شعرهای ارسالی به دبیرخانه جشنواره، سلامت زبان، غنای موسیقایی، تصویر سازی های مناسب و بدیع و احساس زاید الوصف است. تعدادی از شعرها نویدبخش آن بودند که می توان به نسل سازی در عرصه شعر معاصر ایران امیدوار بود. البته این فرایند نیز وامدار التزام شاعران جوان به شریعت، مبانی فرهنگ غنی ایران اسلامی و مطالعه و پشتکار و غنی نشدن از پیشینه ادبی این مرز و بوم است.

مهم ترین نکات ضعف شعرهای ارسالی، فقر عیار اندیشه، برخورد سطحی و روایی با اسطوره ها و نمادها و سرگشتگی هویتی بود. تشابهات زبانی، وزنی، زاویه دید و سایر موارد به گونه ای بود که گاه این شائبه تقویت می شد که سراینده همه این آثار یک نفر است. چنین وضعی سبب شده که شعرها از هویت مستقلی برخوردار نباشند و دچار سرگشتگی هویتی گردند.

ضروری است که شاعران جوان سرحدات شعری خود را مشخص نمایند. موج آفرینی های کاذب، گاه شاعران جوان را به گرداب خویش می کشاند و حاصل آن به آثاری می انجامد که فاقد شناسنامه اند.

برگزاری جلسات آسیب شناسی شعر جوان، می تواند راهگشای شاعران جوانی باشد که آینده شعر ایران به آنان چشم دوخته است. ■

جایگاه شعر و داستان نویسان جایگاهی ختیر و منحصر به فرد است

عرصه آفرینش های ادبی یکی از مهم ترین عرصه های هنری و اثرگذار ترین و ماندگار ترین قالب های هنری برای انتقال و تبیین ارزش های فرهنگی و اجتماعی است. در این میان جایگاه شعرا و داستان نویسان، جایگاهی ختیر و منحصر به فرد است و از آنجایی که به ویژه شاعران دارای روحیه ای لطیف و حساس اند، تشخیص مسأله و نوع بیان آن امری بسیار مهم و درخور اعتناست. به این ویژگی های شاعر وقتی جوانی هم اضافه شود، ترکیبی از لطافت طبع و احساسات، هیجانات و شور مختص این رده سنی، گونه ای از شعر را به وجود می آورد که ممتاز و بی بدیل است. جوان امروز ایران اسلامی با قلم خود مبدع بزرگی است که باید با زمانه شناسی و مسأله شناسی در این مقطع زمانی و در این نقطه عطف و پیچ بزرگ تاریخی، دین خود را به اسلام و انقلاب ادا کند.

شعر و داستان جوان احیاگر ادبیات پایداری و فرهنگ مقاومت و ایستادگی در مقابل تفکر استکباری و نظام سلطه است. شاعران و داستان نویسان جوان و متعهد ما با ترسیم افق های روشن و به وجود آوردن انگیزه حرکت و پیشرفت می توانند موتور محرکه جامعه خود باشند. به نظر می رسد جشنواره شعر و داستان جوان، امروز بخشی از جریان شعر انقلاب است و برای تعمیق معارف اسلامی و انقلابی و ولایی نزد هنرمندان این عرصه ایفای نقش می کند؛ شعری که محتوایش قبل از هر چیز تبلیغ و ترویج نگاه توحیدی است و در درون خود فرهنگ عاشورا و انتظار را به همراه دارد.

پیشروی شعر امروز ما در گرو حرکت صحیح و هدفمند شعر جوان ماست که باید مبنای و محور ارائه گفتن انقلاب و ولایت باشد. امیدواریم این جشنواره به جز ایجاد بستری علمی برای تعامل و تبادل نظر هنرمندان جوان، موجب تحکیم و تعمیق بیش از پیش اعتقادات هنرمندان جوان عرصه آفرینش های ادبی کشور و مقوم و مروج مجموعه جریان شعر انقلاب اسلامی باشد.

* سینا دلشادی، معاون فرهنگی امور استان ها و رئیس حوزه هنری استان مرکزی



در کارگاه ادبیات کودک و نوجوان عنوان شد

لذت قصه از ادبیات کودک و نوجوان آغاز می شود

در بخشی از این مسیر را طی کرده اند نیز به روشنی قابل رؤیت است.»

وی به ویژگی های شعر خوب پرداخت و افزود: «شعر خوب در وهله اول باید زبان، نگاه، احساس، تخیل و موضوع کودکانه را داشته باشد و قابلیت لذت بردن همه دور های سنی را داشته باشد.»

ضرابی زاده نیز در این باره اظهار داشت: «از ویژگی های هنری یک اثر ناپ است که مخاطبان سایر حوزه ها را راضی نگه داشته و با هر بار خواندن اثر نکات جدیدی کشف و لذتی دوباره پدید می آید.» وی ادامه داد: «کارهایی وجود دارند که با یک بار خواندن تمام می شوند و در مقابل کارهایی نیز هستند که حامل اندیشه، زبان منحصر به فرد و سوز هنرمندانه است.»

وی تلفیق موضوعات خاصی مثل انقلاب با ادبیات کودک و نوجوان را ممکن دانست و اظهار داشت: «در این زمینه می توان به موضع خاص به صورت جزئی نگاه کرد و با مجموعه ای از این جزئیات یک موضوع کلی پدید آورد، همراه با پایان بازی که مخاطب را به تفکر وامی دارد.»

خدادوست نیز از کارهای هوشنگ مرادی کرمانی یاد کرد و افزود: «مریای شیرین و هسته آلبالو از شاهکارهایی است که باید خوانند از این نظر که نویسنده هنرمندانه از پس سوز به نظر ساده آن به خوبی بر آمده است.»

ادامه جلسه نیز با خوانش آثار برخی هنرمندان ادامه یافت و بحث داستان هایی برای کودکان و ادبیات درباره کودکان سر فصل جدیدی ایجاد کرد که در این زمینه ضرابی زاده گفت: «در مورد ادبیات کودک و نوجوان باید دغدغه های کودکان لحاظ شود. به کارگیری واژه، نگاه و زبان کودکانه مغایر با اندیشه مند بودن اثر نیست.»

در انتها ضرابی زاده گفت: «لذت بردن از قصه در درجه اول در ادبیات کودک و نوجوان مطرح است و بعد اندیشه و تفکر حاکم بر اثر با ظرایف احساسی و بیانی به کودک باید انتقال یابد.» ■

کارگاه ادبیات کودک و نوجوان دهمین جشنواره با حضور بهناز ضرابی زاده و احمد خدادوست از داوران شعر و داستان کودک و نوجوان دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره و علاقه مندان به این حوزه از ادبیات برگزار شد.

ضرابی زاده در ابتدای جلسه با اشاره به تعریف های مجزای حوزه ادبیات بزرگسال و کودک، گفت: «پس از محک زدن توانمندی ها در هر یک حوزه ها و با توجه به استعداد و علاقه مندی های شخصی بهتر است یک قالب اثر در نظر گرفته و در همان حوزه به مطالعه و کسب تجربه روی آورد.»

خدادوست، نیز ضمن تأیید صحبت های ضرابی زاده اضافه کرد: «آغاز کار من با گویش گیلکی بود و در قالب های مختلفی کار می کردم؛ اما پس از وارد شدن به حوزه ادبیات کودک و نوجوان تصمیم گرفتم در همین قالب ادامه دهم.»

در ادامه ضرابی زاده به نگاه خاص به کار در حوزه ادبیات کودک و نوجوان پرداخت و ادامه داد: «دوستانی که به تازگی به این عرصه ورود پیدا کرده اند، بدانند کار در این حوزه با سختی هایی بیش از حوزه بزرگسال روبه روست.»

وی دلیل این امر را چنین برشمرد: «زوایای احساسی، انتخاب واژه، زبان کودکانه و نگاه خاص به دنیای کودک کار را برای هنرمندان این حوزه سخت تر و حساس تر می کند؛ از این نظر برای ورود به این حوزه مطالعه ادبیات ناپ و برجسته و تسلط بر روانشناسی کودک و نوجوان گریز ناپذیر است.»

در ادامه جلسه حضار که عمدتاً راه یافتگان به مرحله نهایی داوری دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره بودند، به بیان مشکلات خود در حوزه نشر اثر و دغدغه هایی از این دست پرداختند. شرکت کنندگان در این کارگاه ضمن معرفی خود به قرائت بخشی از آثار خود پرداختند و استادان حاضر در کارگاه آثار را بررسی کردند.

خدادوست گفت: «دغدغه نشر نه تنها برای کسانی که در ابتدای مسیر ادبی قرار دارند، بلکه برای کسانی که



اقشار مدرن جامعه به ادبیات متناسب با خود نیاز دارند

برگزاری جشنواره‌های ادبی در کشور توانسته، زمینه‌ساز ایجاد انگیزه در میان شاعران، نویسندگان و هنردوستان جوان شود. گونه‌های مختلف ادبی در جشنواره‌ها می‌توانند جایگاه خود را به جامعه معرفی کنند و شاید اگر به دست فراموشی سپرده شده‌اند، دوباره احیا شوند و مخاطبان خاص خود پیدا کنند.

در جشنواره شعر و داستان سوره که به همت حوزه هنری در ۲۶ و ۲۷ تیر در ارومیه برگزار می‌شود نیز سعی شده که قالب‌های مختلف ادبی به جامعه شناسانده شود. محمود حبیبی کسب معتقد است، برای اینکه اقشار مدرن جامعه به ادبیات گرایش یابند، باید ادبیات را نزدیک به خود ببینند.



داوران این جشنواره و چندسالی به عنوان داور در خدمت این جشنواره بودم.

جشنواره شعر و داستان جوان حوزه هنری ابتدا یک اتفاق فردی نبود، بلکه پایانی بود بر فرایند ادبی که در طول یکسال در حوزه‌های هنری طی می‌شد. از سال ۸۳-۸۲ تلاش کردیم که در مراکز استانی حوزه‌های هنری کارگاه‌های شعر و داستان راه‌اندازی کنیم و شاعران و نویسندگان جوان بین ۱۴ تا ۲۷ سال را جذب این کارگاه‌های آموزشی کنیم.

هنرجویان شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها در چند جشنواره استانی منطقه‌ای و سپس برگزیدگان آنها در جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره شرکت می‌کردند.

پس از ۳-۴ سال این جشنواره به صورت فردی درآمد که افراد به صورت شخصی در این جشنواره شرکت می‌کردند و لزوماً هنرجویان هنری نبودند.

یکی از اهداف برگزاری این جشنواره تمرکززدایی است؛ به همین دلیل هر سال در یک استان برگزار می‌شود؛ زیرا تا مادامی که جشنواره‌ها در تهران برگزار شود، تنها شعرای استان‌های دیگر امکان حضور را پیدا خواهند کرد؛ اما هنگامی که اختتامیه یک جشنواره در استان‌های دیگر برگزار می‌شود بسیاری از شاعران و هنرمندان در آن استان حضور پیدا می‌کنند و با شاعران و نویسندگان جوان آن استان ارتباط برقرار می‌کنند. همه اینها موجب تعالی ادبیات در آن استان می‌شوند.

هدف دوم جذب هنرمندان جوان به حوزه هنری بود. وقتی یک هنرمند جوان در جشنواره حوزه هنری شرکت می‌کند، پس از آن رابطه خود را با حوزه هنری ادامه خواهد داد. هدف بعدی، حمایت از هنرمندان جوان مرتبط با حوزه هنری که اتفاقاً هنرشان رنگ و بوی تعهد داشت، است تا بتوان آثار آنها را منتشر کرد.

فکر می‌کنید آیا این جشنواره از نظر پتانسیل ادبی و هنری آن قدر غنی شده که بخواهیم به بین‌المللی شدن آن فکر کنیم؟ هدف این جشنواره بین‌المللی شدن نبود. لزوماً بزرگ‌بودن یک جشنواره بر معنای بین‌المللی بودن آن نیست. هدف این جشنواره کشف استعدادها و ادبی جوان، پرورش و آموزش آنها در حوزه‌های هنری استان‌ها و حمایت از آنها (شامل حمایت از آثار ادبی، حمایت مالی، خوراک فکری) است.

باید نیازسنجی کرد که آیا لازم است این جشنواره بین‌المللی شود یا خیر در صورت نیاز باید هدف‌گذاری تازه‌ای شکل بگیرد؛ اما در شکل فعلی و در شرایط فعلی من نیاز به بین‌المللی شدن این جشنواره نمی‌بینم.

اگر قرار است است کتابی بنویسیم یا جایی برای راضی کردن خودمان صحبت کنیم و بگوییم تأثیرگذاری بر آن قشر خاص که امروز در اقلیت قرار گرفته، کافی است، باید بدانیم امروز دهه شصت نیست که قشر هم‌سو با ما و تنها گوش به دهان ما دوخته، اکثریت جامعه را تشکیل داده باشد.

راهکار شما برای جذب مخاطب جوان به سوی شعر و داستان انقلاب و ارزش‌ها و باورهای انقلابی چیست؟

اگر بخواهیم روی اقشار مدرن تأثیرگذار باشیم، باید ادبیاتمان را به نوع ادبیات آنها نزدیک کنیم. اگر آنها ادبیات ما را هم با ادبیات خود همراه ببینند، آن‌گاه خود را مخاطب ما می‌دانند و در تأثیرگذاری روی این قشر موفق خواهیم شد.

یکی از اهداف برگزاری این جشنواره تمرکززدایی است؛ به همین دلیل هر سال در یک استان برگزار می‌شود؛ زیرا تا مادامی که جشنواره‌ها در تهران برگزار شود، تنها شعرای استان‌های دیگر امکان حضور را پیدا خواهند کرد؛ اما هنگامی که اختتامیه یک جشنواره در استان‌های دیگر برگزار می‌شود بسیاری از شاعران و هنرمندان در آن استان حضور پیدا می‌کنند و با شاعران و نویسندگان جوان آن استان ارتباط برقرار می‌کنند.

امروز چه آسیب‌هایی ادبیات انقلاب را تهدید می‌کند و آینده ادبیات انقلاب را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

بزرگ‌ترین آسیب، شعارزدگی و مستقیم‌گویی است. هنرمندان ما نیز برای اینکه خودشان را بیشتر همراه عوام جامعه کنند، خود را تبدیل به عوام می‌کنند که یقیناً ارزش ادبی آنها سقوط می‌کند و آن تعداد کمی از مخاطبان را نیز از دست می‌دهند.

هدف اصلی از برگزاری این جشنواره‌ها را توضیح دهید. تا چه حد این جشنواره‌ها به اهداف خود نزدیک شد و به ادبیات متعهد کمک کرد؟

من در دوره دوم از شرکت‌کنندگان و برگزیدگان این جشنواره بودم. از دوره سوم به کادر اجرایی ملحق شدم و حدود هشت سال به عنوان معاون فرهنگی این جشنواره و سرپرست هیأت

شعر و داستان انقلاب به عنوان یکی از گونه‌های مختلف ادبی چه جایگاهی در فضای فرهنگی کشور دارد؟

اگر بخواهیم صرفاً به لحاظ موضوعی شعر و ادبیات انقلاب را به تصویر بکشیم، شاید بهترین تعریف این باشد که ادبیات هم‌سو با انقلاب اسلامی را ادبیات انقلاب اسلامی بنامیم؛ ادبیاتی که در آن لزوماً شعر به طور مستقیم راجع به ادبیات انقلاب اسلامی نیست؛ اما با گفتمان انقلاب هم‌سو است. به طور اجمالی برای روشن کردن زوایای بحث شعر انقلاب باید بگوییم که شعر انقلاب به چند بخش تقسیم می‌شود.

نخست شعر و ادبیات دفاع مقدس که به مجموعه ادبیات انقلاب اسلامی است. دوم ادبیات آیینی یا ادبیات مذهبی که به طور مستقیم در مدح و منقبت ائمه دین (ع) و پیامبر اکرم (ص) باشد یا اشعاری که به طور غیرمستقیم باورها، ارزش‌ها و عقاید مذهب تشیع را تبلیغ کند و به آنها بپردازد. سومین موضوع، خود ادبیات انقلاب اسلامی است که به موضوعات مربوط به ارزش‌ها، باورها و دستاوردهای انقلاب، همچنین گذشته و آینده آن می‌پردازد. گونه چهارم ادبیات پایداری است که به پایداری ملت ایران و ملت‌های دیگر می‌پردازد.

در مجموع اگر این چهار بخش را کنار بگذاریم، بخش پنجمی هم وجود دارد که از اخلاقیات، ارزش‌ها، باورهای انسانی، تبلیغ و نشر و بسط اسلام نشأت می‌گیرد.

در واقع در باور من ادبیات انقلاب اسلامی دقیقاً همان چیزی است که ما به عنوان ادبیات یا هنر متعهد از آن نام می‌بریم و در سی و اندی سال اخیر وجه غالب ادبیات در کشور ما ادبیات متعهد بوده است. گونه‌های دیگری نیز در کشور ما -چه در شعر، چه در داستان- رواج دارد؛ اما گونه غالب در شعر داستان، گونه ادبیات متعهد بوده است. تأثیرگذاری این گونه ادبیات از لحاظ میزان تیراژ و فروش کتاب‌های تولیدشده تأثیرگذار بوده است و دلیل آن تفاوت ادبیات متعهد با گونه رایج دیگر در کشور است.

آیا نویسندگان و شاعران نسل انقلاب در انتقال ارزش‌ها و باورهای خود به نسل بعد از جنگ نیز موفق بوده‌اند؟

تأثیرگذاری بر نسل‌های سوم و چهارم بعد از انقلاب خیلی دشوار است. در زمان ما تنها رسانه موجود کتاب بود؛ اما امروز رسانه‌ها فراگیر شدند. شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، روزنامه و مجلات، کتاب و نشریات همگی باعث شده، تأثیرگذاری بر جوانان زیر ۲۵ و ۳۰ سال بسیار سخت بشود. جوانان، امروز با دنیای اطراف خود در ارتباطند، جبهه‌های فکری، ارزشی و ضد ارزشی از هر سو به سمت آنها می‌آید و ما می‌خواهیم از یک گوشه در فکر آنها رخنه کنیم که این کار خیلی سخت است و به اعتقاد من تا به امروز ما در تأثیرگذاری روی این قشر بزرگ و تأثیرگذار جامعه به صورت موفق عمل نکرده‌ایم.



تیرگه هنر

شماره دوم ۲۷ تیرماه ۱۳۹۱

گزارشی از کارگاه «عصر شعر و داستان»

برربال شعر

کارگاه عصر شعر و داستان ساعت ۵:۳۰ دقیقه عصر روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۱ با حضور سعید بیابانکی و بهروز سپیدنامه از میان داوران در سالن همایش خانه جوان ارومیه برپا شد و در این جلسه شاعران جوان به شعر خوانی پرداختند. آنچه در پی می آید، چند شعر از شعرهای خوانده شده در این جلسه است.

روی تاریخ شهر من تاریخت، آسمان، موج اتفاقاتش
گاه باران به مزرعه بارید، گاهی از غیب می رسید آتش
ما پر از اتفاق خوب و بد، ما پر از قصرهای ویرانیم
زیر باران آب یا آتش، تا ابد، مثل مرد می مانیم
رودخانه؟ حکایت تلخی است، دل به خورشید می دهم من بعد
راد، بشکوه، ایستاد، نستوه، دست رد می زدم به غم من بعد
انقلاب است و شهر بنزین راه، می کند با فتنه در بطری
جنگ می آید و همین کوچه، می خورد بمب! بمب نه متری
بمب بعدی دوازده متر است، کوچه اما، نهایتاً شش متر
دختری پشت میز خیاطی، پارچه، نخ، جنازه، خون، کش، متر
ما پر از اتفاق خوب و بد، پر ز تقویم های خاکستر
پدر از جبهه بر نمی گردد، خب، طبیعی ست بشکند مادر
تن به این رودخانه باید زد، باید آبی شوم که سلولم
بشکند، بعضی انجمادش راه، در قبالت هنوز مسؤلوم
من برایت هنوز می جنگم، من برایت هنوز می میرم
من که کاری نکرده ام جانم، من نباشم تو باش دزفولم
شهر رزهای سرخ روی قبر، پایداری، دفاع، موشک، صبر
فکر کن ما شعاری دادیم، فکر کن من به «هیج» مشغولم
«وند، اما به پا گشتیم جنگ، نمرگ ختم الف اگر دسفیل
دونه آیا جناب تهرونی، معنی: «دا»، «گلم»، «وری رو لم؟»
فکر کن، من به «هیج» مشغولم، دا، وری دا، گلم، وری رو لم
ما در ختیم، باد می داند، ایستادیم، تا وطن باشد
ایستادیم و باز می مانیم، مرد باید که با وطن باشد...

میثم خالدیان

با این همه رقصه در دربار امشب
رقص تو باید باب میل شاه باشد
ای دختر قاجار من طاقت ندارم
رقصت بلند و دامن کوتاه باشد
خلخال در پا کرده ای یا شور بر پا؟
پنجه عطر گیسویت در قصر حالا
مثل خوره این ترس افتاده به جانم
پایان مجلس شاه خاطر خواه باشد
می چرخ و آینه های سقف در من
می ایستی آینه های سقف در تو
اینکه چهها آینه در آینه دیدم
بهرت فقط بینی و بین الله باشد
از رقصت احساس شغف دارند آنها
دور تو جام می به کف دارند آنها
سربازها دالان برایت باز کردند
تا پیش پای تو فقط یک راه باشد
یک چرخ کامل می زنی... سرباز اول...
یک چرخ کامل می زنی... سرباز آخر
انگار پشت ترده ها باشی و این سو
تصویر تو گاهی نباشد گاه باشد
حالا از اینجا مات می بینم تنت را
حالا نمی بینم از اینجا دامنت را
حالا تو با یک مرد گرم رقص هستی
از دور پیدا نیست شاید شاه...

محمدحسن ملکیان

جالیزها مردند در شوق مترسکها
تا آسمانها پاک شد از حجم زاغها
دنیا عوض شد کوچه های خاکی این شهر
آهسته جان دادند زیر چرخ غلتکها
وقتی که باد ناموافق نیست شوقی نیست
بیهوده می رقصند با خود بادبادکها
حتی نمی گریند هنگامی که تنه ایند
حتی نمی خندند مثل قبل دلقکها
دیوار اگر هم تکیه گاهی شد دلش می خواست
بالا بیاید در مسیرش کفر پیچکها
تقصیر آدمهای دیگر بود، می دیدم
هر چه نمی دیدیم را از چشم عینکها
بازی قایم باشک اما با یقین کردیم
باشک ولی قایم شدیم از دست موشکها
کبریت را محض برادر کشتنش کشتیم
جنگل در آتش سوخت با تدبیر فندکها

مریم خجسته

شاخه ای رز در لیوان لب پریده
این فوق العاده ترین تصویر در خانه من است،
وقتی از بی قرارترین ملاقات عمرم بر می گردم.
اینجا تهران است، اما هر چه به من نزدیک تر می شوی
خانه ها منار جنبان می شوند
با دیدن دست تکان می دهی، پیاده رو شالیزار می شود
به نیمکتی می رسیم
حالا خلیج فارس همین حوض روبه روست
که نهنگی در آن خون بی رنگ زمین را فواره می کند
من بزرگترین شعبده بازها را دیده ام
اما تو روی نیمکت ایستادی و از همین کیف ساده
برایم تمام دشت های محلات را در آوردی
تهران تو را به اندازه کف پاهایت می شناسد
من به اندازه دستهایت
باید می دانستیم کوچه ها اتاق های خصوصی مناسبی نیستند
این را پنجره ای که محکم خودش را بست، گوشزد کرد
و غروب مرد گرفته ای بود که ساعتی پیش
در انتهای خیابان زیر ماشین رفت
وقتش شده به خانه برگردی
دور می شوی و دست تکان می دهی
شالیزارها خشکشان می زند
نهنگی خسته در یک پارک جان می کند
و منار جنبان های تهران، خانه های سیاهی می شوند،
در جدولی جل نشدنی که سؤال به سؤال از خانه دور تر می کند
شاخه ای رز در لیوان لب پریده
این فوق العاده ترین تصویر در خانه من است
جایی که پایم رانمی شود دراز کنم
جایی که گلیم جانی می شود
جایی که دل تنگ لیوان را
تنها خیال پر می کند

کیانوش خان محمدی

مهمان چکمه است امروز پایم
عکس دو ماهی است بر چکمه هایم
کم کم میان راه دیستان
شد چکمه ام پر از آب باران
سوراخ چکمه گر چه گشاد است
ماهی درونش امروز شاد است

مسعود طاهری

شاعر نشست بین سخن انقلاب تو
صحنی که دارد چشمه های روشن و جاری
هر گوشه اش یادآور شعری است طوفانی
شاعر چه دارد غیر مضمون های تکراری
من کودک گمشده دیروز این صحنم
بیزارم از امروز خود بسیار بیزارم
کار من از آهو گذشته ضامن آهو
دیروز کفتر بودم و امروز کفترام
افتاده از اسبم ولی بر اصل خود هستم
بوی خوش بال و پر م را خوب می فهمم
تا آسمان هم پر کشم سوی تو می آیم
فواره حوض حرم را خوب می فهمم
مست زرشک و نقل بازار رضا هستم
شاید همین سهم من از هشت آسمان باشد
ترسی ندارم از کفن وقتی ببینم که
خط دعای روی آن باز عرفان باشد
احرام بستم بار دیگر پاک و معصوم
حج فقیران هستی و من مست میقات
دیروزهایم گم شده در این حرم حالا
باید بگیرم بچگی را از امانات

محسن کاویانی

پنجره ها
کرمان چشم های تو قاجار محورند
تا چشم های شعر مرا در بیاورند
از شعله ای که روی لب سحر می شوند
زرتشتیان حسرت من بوسه می خردند
ما هر دو از قبيله بغضیم، شک نکن
اشک من و سکوت تو با هم برادرند
دریا شدی و پر شدم از موج و موج
معراجیان شرم تو در من شناورند
دیوانه ام نه شاعر تو، باورم کن
دیوانگان که از شعر باوفاترند
باور بکن که سنگ شدن کار ساده ای ست
اینجا تمام پنجره ها زودباورند

احسان محمدی



موسی بیدج* یادداشت

همراه با داوران دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره

موضوعی بودن جشنواره‌ها اتفاق خجسته‌ای برای هنرمند نیست

موسی بیدج داور بخش شعر نو نهمین جشنواره شعر و داستان انقلاب گفت: «خط‌دهی و سفارشی برگزار کردن جشنواره‌ها اتفاق خوب و خجسته‌ای برای هنرمند نیست؛ ضمن اینکه هر نوع فعالیت و مسابقه ادبی برای جوانان مفید است و می‌تواند پتانسیل بالقوه بسیاری از جوانان را بالفعل کند.»

موسی بیدج شاعر و مدیر دفتر ادبیات عرب مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری در مورد برگزاری جشنواره شعر و داستان جوان گفت: «جشنواره‌ها باید به صورت گسترده‌تری فعالیت کنند؛ زیرا موضوعی بودن جشنواره‌ها نمی‌تواند برای یک هنرمند اتفاق خجسته‌ای باشد.»

وی در ادامه اظهار داشت: «وقتی یک اثر هنری تولید می‌شود که از جریان سیال ذهن شاعر و نویسنده عبور کرده باشد و به نظر من محدود کردن آثار در محورهای پیشنهادی نمی‌تواند اتفاق خوب و جالبی برای هنرمند باشد.»

وی برگزاری جشنواره‌ها را فرصتی برای حمایت‌های مادی و معنوی از هنرمندان جوان ذکر کرد و گفت: «افرادی که رتبه‌های برگزیده در جشنواره‌ها را دریافت می‌کنند و جوایز به آنان تعلق می‌گیرد، بسیار محدودند و هنرمندانی هستند که آثارشان خوب است؛ اما به عنوان برگزیده انتخاب نمی‌شوند که باید از این دسته از هنرمندان نیز حمایت کرد.»

موسی بیدج جشنواره‌هایی را موفق می‌داند که تمام طیف‌ها، مشرب‌ها و اندیشه‌ها بتوانند آثارشان را در قالب‌های مختلف بیان کنند و در واقع موضوعات آزاد داشته باشند که خوشبختانه جشنواره شعر و داستان جوان به این موضوع توجه داشته است.»

وی نقادی در حوزه ادبیات را پلکانی برای صعود هنرمند ذکر کرد و گفت: «در حوزه «هنر» و «ادبیات» نقادی بسیار اهمیت دارد و این مورد نباید به عنادورزی تبدیل شود و ما از طریق نقدهای ادبی می‌توانیم پله‌های صعود را به راحتی طی کنیم.»

این شاعر کشورمان در مورد سفارش‌پذیری شعر گفت: «شاعر باید از درون خودش سفارش بگیرد و زمانی که شعر از دل برمی‌آید قطعاً در دل نیز خواهد نشست.»

وی در ادامه گفت: «شاعران جوان ما احساس خوبی نسبت به ائمه اطهار (ع) دارند و زمانی که این احساسات با اندیشه و خیال آنان گره بخورد و به نوعی با شبکه عاطفی و اندیشه عاطفی آنان در آمیخته شود، قطعاً اشعار آنان به دل خواهد نشست.»

وی یکی از راهکارهای برگزاری جشنواره‌های ادبی را بررسی و رصد کتاب‌های منتشر شده در حوزه‌های شعر و داستان ذکر کرد و گفت: «امیدوارم حوزه هنری همانند برخی از مراکز فرهنگی کتاب‌های منتشر شده خود را در زمینه‌های مختلف به مسابقه بگذارد و با بررسی کتاب‌های منتشر شده جوایزی را برای نویسندگان در نظر بگیرد و به نظر می‌رسد این روال بسیار منطقی‌تر باشد.»

شایان ذکر است دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره روزهای ۲۶ و ۲۷ تیر ماه در ارومیه برگزار شد. ■

هیأت انتخاب شعر کلاسیک
داوری در تقاطع مسؤلیت و سلیقه

عباس کیقبادی متولد تبر ماه ۱۳۵۷ اصفهان و دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تبریز است. شاعری را از نوجوانی آغاز کرده و با شرکت در مسابقات شعر دانش‌آموزی مقام نخست این مسابقات را به دست آورد و از آن پس در چندین کنگره دانش‌آموزی و دانشجویی و کنگره‌های سراسری شعر از جمله شعر علوی - نهج البلاغه - شعر انتظار و چندین کنگره دفاع مقدس ایلام، زیر آسمان الوند، شعر بسیج و... برگزیده شد.

- چند دوره داوری جشنواره همیشه‌های هنوز (دفاع مقدس اصفهان)

- برگزاری جشنواره همیشه‌های هنوز به عنوان دبیر علمی

- چند دوره داوری شعر بسیج در استان اصفهان

- دو دوره حضور و شعر خوانی در دیدار شاعران با مقام معظم رهبری در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶

- برگزاری جلسات کارگاهی شعر در مرکز آفرینش‌های ادبی قلمستان از سال ۱۳۸۸ تا کنون

از این شاعر دو مجموعه شعر با عنوان‌های «اینک تو در مقابل من ایستاده‌ای» در سال ۱۳۸۲ نشر شروع و «هن زخمی نگاه» در سال ۱۳۸۸ نشر تکا منتشر شده است.

مر ترضی حیدری آل کثیر
شاعر و مترجم

متولد سال ۱۳۶۲ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

- برگزیده سرورزین جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش آیینی سال ۸۶

- برگزیده اول جشنواره بین‌المللی شعر نبوی

مشهد سال ۸۵

- برگزیده کتاب سال دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران با کتاب «سرفه خونین تفنگی در باد» سال ۸۶

- افتخار شعر خوانی در محضر مقام معظم رهبری در سال‌های ۸۶ به زبان فارسی و در سال ۹۰ به زبان عربی

- دبیری ۲ کنگره استانی شعر دعبل خزاعی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و داوری در بیش از ۱۰ کنگره استانی و ۱ کنگره کشوری و کسب عناوین دیگر در این عرصه همچنین این شاعر و نویسنده جوان تعداد ۶ جلد کتاب با موضوعات مختلف را به چاپ رسانده است.

جشنواره سراسری شعر سوره، یکی از بهترین عرصه‌ها برای تجلی استعدادها و نسل جوان شعر ایران است. مهم‌ترین نکات مثبت شعرهای ارسالی به دبیرخانه جشنواره، سلامت زبان، غنای موسیقایی، تصویرسازی‌های مناسب و بدیع و احساس زایدالوصف است. تعدادی از شعرها نودببخش آن بودند که می‌توان به نسل‌سازی در عرصه شعر معاصر ایران امیدوار بود. البته این فرایند نیز و امداد التزام شاعران جوان به شریعت، مبانی فرهنگ غنی ایران اسلامی و مطالعه و پشتکار و عدم استغنا از پیشینه ادبی این مرز و بوم می‌باشد.

مهم‌ترین نکات ضعف شعرهای ارسالی، فقر عیار اندیشه، برخورد سطحی و روایی با اسطوره‌ها و نمادها و سرگشتگی هویتی بود. تشابهات زبانی، وزنی، زاویه دید و سایر موارد، به گونه‌ای بود که گاه این شائبه تقویت می‌شد که سراینده تمامی این آثار یک نفر است. چنین وضعی سبب شده که شعرها از هویت مستقلی برخوردار نباشند و دچار سرگشتگی هویتی گردند.

داوری فی‌الغیره امری دشوار و مسؤلیتی خطیر است و جایی که داوری در مورد اثری هنری باشد کار بسیار دشوارتر است؛ چراکه اثر هنری از قواعد و چارچوب‌های معمول پیروی نمی‌کند. هر چند می‌توان مبنای مشترکی را برای آن متصور شد، هر اثر هنری ویژگی‌های خاص خود را داراست و باید با توجه به همان ویژگی‌ها به آن نگرینست و آن را مورد قضاوت قرار داد.

من به اندازه وسع خویش کوشیدم تا جای ممکن از سلیقه شخصی در داوری تأثیر نپذیرفته و آثار را با توجه به ویژگی آنها و تفاوت‌های موجود در هر اثر مورد قضاوت قرار دهم؛ اما به هر حال سلیقه داوران نیز بخش ناگزیری از داوری است و دوستان شرکت‌کننده باید بدانند که شاید اگر گروه داوری دیگری آثار را بررسی می‌کرد، نتایج دیگری حاصل می‌شد و اساساً این داوری‌ها نمی‌تواند ملاک صد در صد و وحی منزل باشد.

چه دوستانی که حائز رتبه برتر می‌شوند باید بدانند که اینجا آخر خط نیست و تازه راه آغاز شده است و این تشویق‌ها تنها می‌تواند انرژی مضاعفی باشد، برای ادامه راه و چه آنها که جزو برگزیدگان نیستند باید بدانند که در انبوه آثار که به جشنواره ارسال شده است، ناچار می‌بایست تعدادی برتر شناخته شوند و این نکته نباید آنها را دچار یأس کند، بلکه باید تلاش خود را بیشتر کنند و در پی برطرف کردن نقاط ضعف خود باشند.

از خداوند متعال خواستارم که توانسته باشم به سهم خود و تا جای ممکن به حق و عدالت نزدیک شوم.

والله اعلم بالصواب

ضروری است که شاعران جوان سرحدات شعری خود را مشخص نمایند. موج‌آفرینی‌های کاذب، گاه شاعران جوان را به گرداب خویش می‌کشاند و حاصل آن به آثاری می‌انجامد که فاقد شناسنامه‌اند.

برگزاری جلسات آسیب‌شناسی شعر جوان، می‌تواند راهگشای شاعران جوانی باشد که آینده شعر ایران به آنان چشم دوخته است.

شعرهایی که با یک زبان سروده می‌شوند

با توجه به حجم بسیار زیاد آثار، انتظار می‌رفت که با زبان‌ها و زاویه دیدها و نوآوری‌های کاملاً متفاوت برخورد کنیم اما پس از خوانش کامل آثار این انتظار برای حقیر برآورده نشد و به نظر آمد که کارها چه از حیث زبان و چه از لحاظ پرداخت بسیار شبیه هم هستند و به معنی واقعی کلمه، تنوع خاصی مشاهده نشد.

شعرهایی که برای موضوعات ویژه از قبیل دفاع مقدس و آیینی و انقلاب سروده شده بود چه از لحاظ ساختار و چه از منظر اندیشه و جسارت در آن، تقریباً از شعرهای بخش آزاد بهتر بودند. اما در کل در جریان خوانش دقیق آثار و داوری، متوجه آسیب‌های فراوانی شدم که بیشتر این آسیب‌ها متوجه عنصر زبان در شعر بود.

در خیلی از شعرها سادگی در زبان از حد گذشته و در سطح اول آن بازمانده بود. وزن بسیاری از آثار رسیده «دوری» بود و این امر باعث شده بود که شاعر به توصیف بیش از حد بپردازد و مسلماً شعر به اطناب کشیده شود. با این حال تعداد انگشت‌شماری شعر در بخش دفاع مقدس و انقلاب از لحاظ زبان و اندیشه کاملاً جدید نظر من را جلب کرد.

در شعرهای آزاد و به‌ویژه شعرهای عاشقانه، با عواطفی کاذب و سطحی روبه‌رو شدیم و نکته قابل توجه در این بود که اکثر قریب به اتفاق غزل‌ها در کلیه بخش‌ها از قافیه بسیار آسانی را روی «و» و «ان» استفاده کرده‌اند و این امر این امر حرکت به سمت نوآوری و ابداع را در این شعرها کندتر نشان می‌داد.

مضامین در بیشتر شعرها بیشتر لفظی بودند تا معنوی و شاعران بیشتر به جناس کلمات توجه داشتند تا بار معنی آنها. البته نباید منکر برخی شعرها یا بهتر بگوییم بیت‌های برجسته شد که گاه در مسیر خوانش آثار نظر را جلب می‌کرد.

مر ترضی حیدری آل کثیر

از آغاز تا امروز؛

جشنواره شعر و داستان جوان سوره ده ساله می شود

جشنواره شعر و داستان جوان سوره در حالی وارد دهمین سال برگزاری خواهد شد که نسبت به دوره‌های قبلی تفاوت‌های چشمگیری داشته است. نگاهی گذرا به سابقه ۹ ساله این رخداد هنری نشان می‌دهد که این جشنواره به لحاظ ادبی یکی از گسترده‌ترین جشنواره‌های حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی محسوب می‌شود. این جشنواره که از سال ۱۳۸۱ و با هدف جذب استعدادها و جوان ادبی در کشور برگزار شد، زیر نظر دفتر امور ادبی استان‌های مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دهمین دوره برگزاری خود را طبق اعلان فراخوان ۲۶ و ۲۷ تیرماه در ارومیه تجربه می‌کند.

«افسون امینی»، دبیر جشنواره در سال‌های گذشته جشنواره‌ها را به موجی تشبیه کرده که سکون را در مراکز استان‌ها و شهرستان‌های مختلف برهم می‌زند و اهل قلم را به نوشتن ترغیب می‌کند. به استثنای امسال در ۹ سال گذشته موضوعات اعلام‌شده از دبیرخانه جشنواره آزاد بود و امینی این روش را برای دانستن برآیند وضعیت ادبی موجود مناسب می‌دانست.

داوری آثار در اکثر سال‌ها در ۲ مرحله انجام شده؛ به طوری که پنج داور در مرحله اول و سه داور در مرحله دوم به بررسی اشعار رسیده می‌پردازند؛ همچنین سه داور در مرحله اول و سه داور در مرحله دوم داستان‌ها را گزینش می‌کنند.

قبل از بررسی هر دوره به صورت مجزا نگاهی می‌اندازیم به اتفاقاتی که در فراخوان سال‌های برگزاری جشنواره رخ داده است.

نکته‌ای که در فراخوان دهمین سال برگزاری این جشنواره به چشم می‌خورد، اضافه شدن محورها و موضوعاتی در بخش آزاد است که متفاوت از روال سال‌های قبل است. این تفاوت در بخش ویژه جشنواره در ۹ دوره گذشته است؛ اما امسال به جز قراردادن یک بخش ویژه با نام انقلاب اسلامی، بخش آزاد با محورهای «اخلاق و خانواده»، «دفاع مقدس»، «بیداری اسلامی» و «فرهنگ و تمدن و عدالت و پیشرفت» نیز وجود دارد که در ۹ سال برگزاری جشنواره محدودیت موضوعی در بخش آزاد وجود نداشته است.

در ادامه تنها نگاهی اجمالی می‌اندازیم به برگزیدگان و داوران از جشنواره تا آشنایی بیشتری با این جشنواره صورت پذیرد.

اولین جشنواره سراسری شعر و قصه همدان مرداد ۱۳۸۲ با عنوان زیر آسمان الوند

جشنواره زیر آسمان الوند در همدان آغاز سلسله جشنواره شعر و داستان جوان بود که به گفته «خسرو آقایی» مدیر برگزاری جشنواره زیر آسمان الوند، با برگزاری این جشنواره‌ها دوره جدیدی برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های جدید و سازمان‌دهی دوباره مرکز آفرینش‌های ادبی آغاز شد.

در این جشنواره‌ها بناست هر استان یک نام فرهنگی برای خود برگزیند و هدف از برگزاری این جشنواره‌ها نیز از ابتدا شناسایی استعدادها و جوان و پرداختن به آنها توسط مدیران جشنواره و ایجاد ارتباطی سازنده و پویا بین آنها و حوزه ذکر شده است.

در زیر آسمان الوند ۶۰۰ شاعر و نویسنده جوان با ۲۱۳۵ اثر شرکت کردند. محدوده سنی شرکت‌کنندگان نیز کمتر از ۳۰ سال در نظر گرفته شده بود.

آثار انتخاب‌شده در جشنواره از سوی تعدادی از چهره‌های نام‌آشنای ادبیات معاصر در آن سال داوری و ۱۹ نفر به عنوان برگزیده جشنواره انتخاب شدند. در بخش داستان، هیأت داوران هیچ اثری را شایسته به دست آوردن مقام‌های اول و دوم ندانست و سه نفر را به عنوان نفرات سوم معرفی کرد: ۱. زهرا میمنندی از کرمان، ۲. طاهره اسکندی از لرستان، ۳. حمید پاساز لرستان.

دبیر اولین جشنواره سراسری شعر و قصه، افسون امینی بود که پاییز ۸۲ مجموعه شعر زیر آسمان الوند را گردآوری و چاپ کرد.

دومین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان شیراز مهر ۱۳۸۳ با عنوان شاخه‌نبات

شاخه‌نبات، دومین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان است که در مهر ۱۳۸۳ در شیراز برگزار شد. نام شاخه‌نبات

یادآور حافظ بزرگ است که جزو مفاخر شعری این سرزمین بوده و با نام این جشنواره نیز هم‌خوانی پیدا کرده است. محدودیت سنی شرکت‌کنندگان در دومین جشنواره تا ۲۷ سال بود. به روال دوره اول افسون امینی به گردآوری اشعار این دوره از جشنواره در کتابی به نام شاخه‌نبات پرداخت.

سومین جشنواره سراسری شعر و داستان بندرعباس بهمن ۱۳۸۴ با عنوان خلیج فارس

سومین جشنواره سراسری شعر و داستان بهمن ۱۳۸۴ در بندرعباس با عنوان خلیج فارس برگزار شد. تنها گروه سنی زیر ۲۶ سال می‌توانستند در این دوره از جشنواره شرکت کنند.

در رشته داستان از میان ۱۵۳۸ اثر رسیده، هیأت داوران در رشته داستان، آیت دولتشاه از لرستان با داستان «حکیم» و کرم رضا دریکوندی از لرستان با داستان «غریبه‌ای زیر درخت نارنج» را حائز رتبه سوم دانست. برگزیدگان رتبه دوم، مجید ذاکری باگستانی از هرمزگان با داستان «باید» و میلاد صادقی از گیلان با داستان «کی سیب می‌خوره» معرفی شدند. سمیرا آرامی از خراسان با داستان «من بازی نیستم» حائز رتبه نخست در این رشته شد. در رشته شعر نیز رتبه نخست به مهدی فرجی از کاشان، آسیه برهانی از اصفهان و محمد مرادی از فارس تعلق گرفت.

چهارمین جشنواره سراسری آزاد جوان خرم‌آباد اسفند ۱۳۸۵ با عنوان فلک‌الافلاک

«فلک‌الافلاک» عنوان قلعه‌ای قدیمی و تاریخی در خرم‌آباد لرستان است که به صورت موزه درآمده و این نماد تاریخی به عنوان نام جشنواره چهارم انتخاب شد. شرکت‌کنندگان این جشنواره، شاعران و داستان‌نویسان جوان ۱۷ تا ۲۵ سال بودند که از بین ۸۵ شرکت‌کننده، آثار ۸۰ شاعر و نویسنده در مرحله نهایی برگزیده شد. از این تعداد هم نفرات برگزیده اول تا چهارم شعر داستان انتخاب شدند و جوایزی از سوی هیأت داوران به آنان اهدا شد.

همچنین آثار در دو بخش داستان و شعر و با موضوع آزاد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در زمینه شعر با توجه به ایام محرم حسینی بخش ویژه شعر عاشورایی مورد ارزیابی و داوری مجزا قرار گرفت.





یوسف علیخانی*

یادداشت

فرصتی برای هنرمندان جوان که به شرکت در دوره‌های آتی جشنواره شعر و داستان جوان سوره فکر می‌کنند

شاهکارهایی که برای انتشار منتظر نخواهند ماند

یوسف علی خانی با متوسط ارزیابی کردن سطح آثار بررسی شده، گفت: «وقتی قصه‌ها را در جایگاه داور می‌خوانم و به داستانی می‌رسم که از سطح کیفی خوبی برخوردار است، در کسوت مدیر انتشارات به انتشار این داستان فکر می‌کنم و از زاویه دید یک نویسنده به این مسأله می‌اندیشم که چه کسی خالق این اثر بوده و چگونه داستان شاخصی شکل گرفته که تا این اندازه توانسته تأثیر گذار باشد.»

ناشر حوزه داستان و داستان‌نویس در ادامه با اشاره به جشنواره‌های ادبی که در سراسر کشور برگزار می‌شود، اظهار داشت: «متأسفانه در چند سال اخیر که در بسیاری جشنواره‌ها به عنوان داور حضور داشته‌ام، کمتر جشنواره‌ای دیده‌ام که به لحاظ سطح کیفی آثار قابل قبولی به جامعه ادبی عرضه کرده باشد.»

علیخانی به «فقر آگاهی» در بخشی از نویسندگان جوان شرکت‌کننده اشاره کرد و گفت: «بی‌سوادی افراد تنها به سوادی نویسنده بر نمی‌گردد، بلکه مسأله مهمی که از خواندن آثار به آن رسیدیم، این بود که خالق اثر در طی سال‌ها زندگی به حرف خاصی که مختص به شخص نویسنده باشد، نرسیده و شاید این مهم به خالی بودن ذهن افراد از تجربیات و خودزندگی کردن برگردد.»

وی در توضیح این مسأله افزود: «به گمانم خواندن کتاب‌هایی درباره جامعه، مردم‌شناسی و شناخت پیچیدگی‌های شخصیتی افراد به باز شدن فکر جوانانی که سوادی نویسنده‌گی دارند می‌تواند کمک‌کننده باشد.»

این نویسنده همچنین در مورد این بخش از نویسندگی گفت: «بستن کوله‌پشتی و رفتن و بودن در میان مردم به افزایش ظرفیت مخزن ذهن کمک شایانی می‌کند، ضمن اینکه در ارتباط با مردم است که مخزن ذهن از یک استکان به دریای ایده و نظریه و خلاقیت بدل می‌شود.»

وی در مورد نویسندگی برای جوانان گفت: «نباید بگوییم مقوله نوشتن کار راحتی است. من بعد از تجربه کارهای بسیار نویسندگی را کار دشواری می‌بینم که باید با علم به این موضوع به این کار وارد شد؛ و گرنه وقتی با ذهنیت سادگی کار به این حرفه نزدیک شوند در ادامه راه و در مواجهه با واقعیت موجود سرخورده خواهند شد.»

داور دهمین دوره جشنواره شعر و داستان جوان سوره تأکید کرد: «قطعاً دریافت جایزه از سوی جشنواره‌ای با قدمت ۱۰ دوره برگزاری می‌تواند یک اهرم پیش‌برنده برای جوانان تلقی شود؛ اما این مسأله نباید به دور شدن جوانان از واقعیت نویسنده‌گی منجر شود.»

وی داور را امری سلیقه‌ای دانست و تصریح کرد: «هر چند بخشی از داور بر مبنای سلیقه شکل می‌گیرد؛ اما بحث تکنیک و توانایی نویسنده در ارائه مفهوم مورد نظر خود در قالب یک داستان مهم است و این گونه است که در اجماع نظر داوران در مرحله نهایی، یک اثر می‌تواند دیدگاه‌های مثبت مشترک داوران را به خود جلب کند؛ بنابراین داور آثار از اعمال سلیقه شخصی فراتر می‌رود.»

* داور بخش داستان دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره

طور مشترک به عنوان نفر سوم بخش شعر کلاسیک این جشنواره شناخته شدند. مهرداد جهانگیری نفر برگزیده بخش ویژه این جشنواره با عنوان «انتظار» بود.

به روال سال‌های گذشته هفتمین مجموعه داستان و مجموعه شعر میتودر به همین نام و به کوشش افسون امینی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

هشتمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان ساری شهریور ۱۳۸۹ با عنوان زیر آسمان سبز

عنوان این جشنواره برگرفته از یکی از آثار سلمان هراتی، شاعر مازندرانی است. در بخش شعر سپید نیز آرش شفایی، گروس عبدالملکیان، مصطفی علی‌پور، مهدی مظفری ساوجی عهده‌دار بوده‌اند. برگزیدگان بخش داستان، رتبه سوم را هانیه مختاری از استان لرستان، رها فتاحی از استان گیلان، مصطفی شمس‌الدینی از استان کرمان و رتبه دوم را مجید اسطیری از استان تهران، نظام حقی‌آبی از استان لرستان و رتبه اول را وحید ابراهیم‌زاده از استان خراسان رضوی کسب کردند.

برگزیدگان بخش شعر کلاسیک، رتبه سوم را علی‌اصغر شیرازی از استان قم، رتبه دوم را رضا محسنی از استان اصفهان، فائزه امینی از استان مرکزی و رتبه اول را محمدرضا شرافت از استان قم و محمدرضا طاهری از استان تهران شناخته شدند.

برگزیدگان بخش شعر سپید، رتبه سوم: وحید حق‌طلب از استان تهران، صدیقه مرادزاده از استان تهران، فاطمه قطب از استان مرکزی، رتبه دوم را مهدی اکبری‌فر از استان اردبیل و رتبه اول: مهدی نظارتی‌زاده از استان اصفهان معرفی شدند.

نهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان ایلام مهر ۱۳۹۰ با عنوان مهد پایداری

کمال شفیعی دبیر این دوره از جشنواره شعر و داستان در مورد بخش ادبیات کودک و نوجوان، بخش تازه این جشنواره گفت: «در حوزه

ادبیات کودک و نوجوان سه استاد برجسته در بخش نهایی داریم که هر یک با یک ویژگی زبانی خاص مانند شعر کلاسیک، شعر آزاد و ادبیات داستانی داور این بخش از جشنواره را به عهده گرفته‌اند. در شکل و نحوه گزینش و چیدمان داوران در مراحل ابتدایی و نهایی امسال نیز برای نخستین‌تر کیب ایده‌آلی از سطح استان‌های کشور داریم؛ به گونه‌ای که ۷۰ درصد استان‌ها در تیم داور، چهره‌های معروفی دارند. افرادی از استان‌های همدان و لرستان نیز در ترکیب داور امسال حضور دارند.»

او اضافه کرد: «در سال‌های گذشته معمولاً داوران تهران نشین بودند؛ ولی تنوع داوران در جشنواره امسال باعث انتخاب برگزیدگان بهتر دیگری شد؛ چون ترکیب داور و گونه‌های ذهنی آنها متفاوت بود.»

در بخش داستان کودک و نوجوان با موضوع آزاد، مونا اسکندری از همدان، فاطمه زنده‌بودی از بوشهر و صبار روشن‌زنی از تهران نفرات اول تا سوم را تشکیل دادند.

در حوزه شعر کلاسیک، جویز اول تا سوم به ترتیب به نیره کاشی از سمنان، سیدعلی شکراللهی از اصفهان و فرشته خدابنده از خراسان رضوی اهدا شد. در بخش شعر آزاد سارا صمدنژاد از تهران، مهدی ملکوتی از اصفهان و سودابه کریمی از کرمانشاه نفرات اول تا سوم را به خود اختصاص دادند.

در بخش داستان کوتاه با موضوع آزاد، هیأت داوران جایزه سوم را به شهاب احمدپور از استان گیلان با داستان «نمی‌تواند» اهدا کرد.

در همین بخش و با موضوع بیداری اسلامی، مهدی خواجوی از گیلان با داستان «کادوی تولد» و علیرضا طاهری از خراسان رضوی با داستان «حقیقت» به عنوان نفرات دوم و سوم معرفی شدند و هیچ‌یک از آثار به عنوان اثر نخست شناخته نشد.

در بخش داستان بلند نیز هیأت داوران تنها دو اثر «طعم سیب» نوشته مهناز رستم‌پور از خوزستان و «لبخند» نوشته افرا سرنانی از ایلام را شایسته تقدیر دانست. ■

هیأت داوران در بخش شعر آزاد، مرتضی حیدری آل‌کنیر از خوزستان، پانته آصفایی از اصفهان و حافظ ایمانی از خراسان را به عنوان نفرات اول این بخش معرفی کرد.

همچنین در بخش شعر آزاد، سیروس عبدی و محمد مهدی سیار از تهران و جواد زهتاب از اصفهان به عنوان نفرات دوم و سیدالیاس علوی از خراسان، امیر اکبرزاده از قم، محمود حبیبی کسبی از تهران و کبری موسوی فرخی از چهارمحال و بختیاری به عنوان نفرات سوم این بخش معرفی شدند.

پنجمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سمنان بهمین ۱۳۸۶ با عنوان ستاره‌های کویر

پنجمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان با عنوان ستاره‌های کویر با حضور ۳۵ داستان‌نویس و ۵۵ شاعر جوان در سمنان برگزار شد. ۹۹۲ شاعر و داستان‌نویس جوان با دو هزار و ۳۳۵ شعر و داستان در این جشنواره شرکت کردند. ۵۷۸ شاعر با یک هزار و ۵۰۴ اثر در این جشنواره شرکت داشتند که ۱۲۰ اثر در بخش ادبیات عاشورایی و یک هزار و ۳۸۴ اثر در بخش آزاد بوده است.

در بخش داستان فاطمه قشمی از زنجان مقام اول و حمید باوی ساجد از خوزستان، عادل قلی‌پور از اردبیل و میلاد فتاحی از گیلان به طور مشترک مقام دوم را به خود اختصاص دادند.

عشرت‌السلادات میرحسینی از شاهرود، حبیب‌الله صادقی از سیستان و بلوچستان و مهدیه محمدزمانی از شاهرود نیز مشترکاً برندگان مقام سوم معرفی شدند و از پریسا کریمی از زنجان و حامد حسن‌پور از لرستان تقدیر شد.

در بخش شعر کلاسیک محمدحسین نعمتی از تهران، محمدجواد شاه‌مرادی از اصفهان و علی‌رضا رجب‌علی‌زاده از کاشان مقام‌های اول تا سوم را کسب کردند و جایزه ویژه شعر عاشورایی نیز به علی سعادت شایسته از قم رسید.

در بخش شعر نو هیأت داوران هیچ‌یک از آثار را شایسته کسب مقام اول ندانست و جایزه دوم را به طور مشترک به محمدحسین نعمتی و مجید سعیدآبادی

از تهران و جایزه سوم این بخش را نیز به رسول پیره از لرستان، ابراهیم عادل‌تیا از اردبیل و سمانه عابدینی از تهران اهدا کرد. جایزه ویژه عاشورایی این بخش به محسن رضوان از تهران رسید.

ششمین جشنواره سراسری شعر و قصه جوان اردبیل شهریور ۱۳۸۷ با عنوان ساوالان

ششمین جشنواره سراسری شعر و قصه جوان با عنوان «ساوالان» ششم و هفتم شهریور در استان اردبیل برگزار شد. در مرحله اول ششمین جشنواره شعر و قصه جوان سه هزار عنوان داستان و شعر در قالب‌های نو و کلاسیک از نویسندگان ۱۵ تا ۲۵ ساله بررسی شد که از این میان ۸۱ اثر به مرحله رقابتی راه یافتند. بر اساس آرای هیأت داوران از بین آثار رقیب، ۱۱ نفر رتبه‌های اول تا سوم را کسب کردند و ۲۶ نویسنده نیز تقدیر شدند.

هفتمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان تهران مرداد ۱۳۸۸ با عنوان مینودر

هفتمین جشنواره شعر و داستان جوان «مینودر» با حضور شاعران و داستان‌نویسان جوان از سراسر کشور و به همت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری روزهای ۲۸ و ۲۹ مرداد در تالار سوره حوزه هنری تهران برگزار شد.

در بخش داستان علی‌شاه‌علی از لرستان، محبوبه حاجیان‌نژاد از سمنان و عادل قلی‌پور از اردبیل نیز به عنوان نفرات سوم معرفی شدند.

داوری شعر این جشنواره نیز در دو بخش «شعر کلاسیک»، «شعر نو» و همچنین بخش ویژه با عنوان «انتظار» صورت گرفت.

در بخش «شعر نو» حسین مرادی از سیستان و بلوچستان و سجاد صوری از همدان به طور مشترک به عنوان نفرات اول، سمانه عابدینی و حافظ عطیمی از تهران به عنوان نفرات دوم و حسین رضایی از خراسان رضوی و علی‌اسداللهی از تهران به عنوان نفرات سوم برگزیده شدند. همچنین علی‌رضا بدیع از خراسان رضوی به عنوان نفر اول، علی‌ثابت‌قدم از اصفهان و نفر دوم و علی‌رضا رجب‌علی از اصفهان و حسین جنت‌مکان از سمنان به

رقابت هنرمندان در بخش داستان بلند فقط در جشنواره نهم دیده می‌شود. (در سال‌های قبل تفاوت حجمی داستان‌ها با محدودیت تعداد صفحه مشخص می‌شد)

از دوره نهم جشنواره بخش کودک و نوجوان به جشنواره اضافه شد.

از سال چهارم برگزاری جشنواره به بعد داور شعر کهن و نو به دلیل ساختارهای متفاوت و ارزش‌گذاری‌های مجزا، تفکیک شده انجام می‌شود.

اگر نام یک جشنواره را به عنوان هویت آن در نظر بگیریم، با این نگاه از جشنواره دهم به بعد قرار است در نام جشنواره تغییری ایجاد نشود و با نام جشنواره سوره به کار خود ادامه دهد. تا کار پیگیری اطلاعات و اخبار این جشنواره توسط جوانان و هنرمندان فعال به عنوان مخاطبان این رویداد هنری نیز سهل‌تر انجام گیرد.

www.hhnews.ir

پایگاه خبری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

www.hozehonari.com

سایت رسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

www.artfest.ir

پایگاه اطلاع رسانی مرکز محافل و جشنواره‌ها

بخش‌های جشنواره:

داستان بزرگسال

داستان کودک و نوجوان

شعر کلاسیک

شعر سپید و نیمایی



شماره دوم ۲۷ تیرماه ۱۳۹۱

افتتاح جشنواره سوره از دریاچه دوربین



حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

ویژه‌نامه شبکه هنر (دهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره) شماره دوم ۲۷ تیرماه ۱۳۹۱

عکس: فؤاد اشتیری، فاطمه نوفلی، فتاح ذینوری

حروفچین: حدیثه عبدالحسینی

با سپاس از همکاری:

مرکز محافل و جشنواره‌های حوزه هنری، مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری
حوزه هنری آذربایجان غربی، اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری

و تشکر از همراهی:

علی قربانی، محمدرضا زنگنه، سیداحمد میکائیل‌زاده، کمال میرشفیعی، علیرضا نوروزی
داربوش علیزاده، محمد زرویی، هادی علیزاده، سیدعلیرضا میرزا مصطفی، مهدی سلیمانی

صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

زیر نظر: حبیب ایل‌بیگی، مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری

سردبیر: سیدمرتضی دارابی

تحریریه: لیدا بابابت، مریم گل‌باز، پروین طالبیان، فاطمه نوفلی، مینا صمدی

صفحه‌آرایی و گرافیک: علی‌اکبر محمدخانی

مدیر اجرایی: لیدا بابابت

ویراستاری: مریم گل‌باز

نمونه‌خوانی: حدیثه عبدالحسینی